

فَهْرَسُ

المخطوطات العربية والتركية والفارسية

في مكتبة راجب پاشا

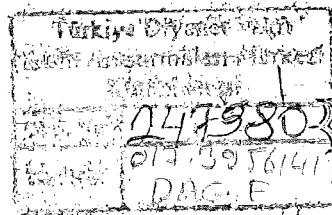
Ragıp Paşa
170025

تقديم

عمرو قوزگون
مدير المكتبة السلطانية

إعداد

الدكتور محمود سيد الغيم



الجزء الأول

047980
017 3956141
DAG.F

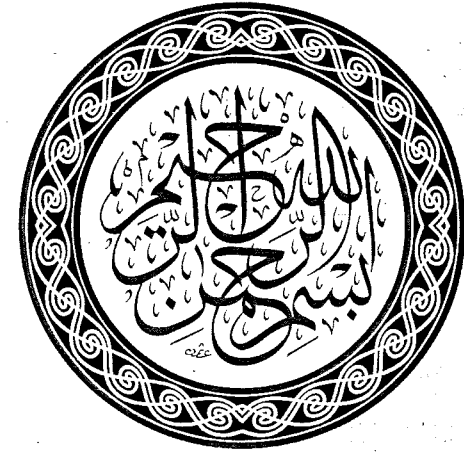
1437/2016

Cidda

سنيقفة الصفا العلية

02 Kasım 2018

MADDE YAYIMI ANDIKTAN
SONRA GÖRÜLÜ DOKÜMAN



الأفكار والآراء الواردة في هذا الكتاب تمثل وجهة نظر كاتبها

وهي لا تعبر بالضرورة عن رأي الناشر

فلذا وجب التنويه

Ragib Pasa 17211 AYDINER, Mesut. Ottoman Armenians in the period
170005 of Koca Ragib Pasha. *Review of Armenian Studies*,
Eminler, 15-16 (2007) pp. 97-132.
051058

01 Ocak 2009

**MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN**

بیروت ۱۴۱۷/۱۹۹۶؛ عبدالرحمان بن ابی بکر سیوطی، *الاتقان فی علوم القرآن*، چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم، [قاهره ۱۹۶۷]، ائتست قم ۱۳۶۳ ش؛ همو، *بغیة الروعاة فی طبقات اللغویین و النحاة*، چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره ۱۳۸۴؛ محمدین محمود شهروزری، *نزهة الأرواح و روضة الأفراح (تاریخ الحكماء)*، ترجمه مقصدعلی تبریزی، با دیباچه‌ای درباره تاریخنگاری فلسفه، چاپ محمدتقی دانش‌پژوه و محمد سرور مولانی، تهران ۱۳۶۵ ش؛ محمدین ابراهیم صدرالدین شیرازی (ملاصدرا)، *المبدأ و المعاد*، چاپ جلال‌الدین آشتیانی، تهران ۱۳۵۴ ش؛ صفدی؛ حسن‌بن علی ظهیری، *اسرار الامامة*، مشهد ۱۳۸۰ ش؛ فخرالدین بن محمد طریحی، *معجم البحرین*، چاپ احمد حسینی، تهران ۱۳۶۲ ش؛ مقداد بن عبدالله فاضل مقداد، *ارشاد الطالبین الی نهج المسترشدین*، چاپ مهدی رجانی، قم ۱۴۰۵؛ محمدین عمر فخرزازی، *الاربعین فی اصول الدین*، چاپ احمد حجازی سقا، قاهره [۱۹۸۶]؛ همو، *اساس التقدیس*، چاپ احمد حجازی سقا، بیروت ۱۴۱۳/۱۹۹۳؛ همو، *التفسیر الکبیر*، او *مفاتیح الغیب*، بیروت ۱۴۲۱/۲۰۰۱؛ همو، *شرح اسماء الله الحسنی للرازی*، و هو *الکتاب المسمی لوامع البینات شرح اسماء الله تعالی و الصفات*، چاپ طه عبدالرؤف سعد، قاهره ۱۳۹۶/۱۹۷۶، چاپ ائتست تهران ۱۳۶۴ ش؛ همو، *المطالب العالیة من العلم الالهی*، چاپ احمد حجازی سقا، بیروت ۱۴۰۷/۱۹۸۷؛ عبدالحمید فراهی، *مفردات القرآن: نظرات جدیدة فی تفسیر الفاظ قرآنیة*، تحقیق و شرح محمد اجمل ایوب اصلاحی، بیروت ۲۰۰۲؛ محمدین یعقوب فیروزآبادی، *البیغة فی تراجم ائمة النحر و اللبغة*، چاپ محمد مصری، دمشق ۱۴۲۱/۲۰۰۰؛ محمد قزوینی، *یادداشتهای قزوینی*، چاپ ایرج افشار، تهران ۱۳۶۳ ش؛ عباس قمی، *کتاب الکنی و الالقاب*، صیدا ۱۳۵۷-۱۳۵۸، چاپ ائتست قم [بی‌تا]؛ عمر رضا کتخا، *معجم المؤلفین*، دمشق ۱۹۵۷-۱۹۶۱، چاپ ائتست بیروت [بی‌تا]؛ مفضل بن سعد ماقزوحی، *کتاب محاسن اصفهان*، چاپ جلال‌الدین حسینی طهرانی، تهران ۱۳۱۲ ش؛ آدام منتز، *الحضارة الاسلامیة فی القرن الرابع الهجری*، نقله الی العربیة محمد عبدالهادی ابوریده، بیروت ۱۳۸۷/۱۹۶۷؛ مجلسی؛ محمد کرده‌علی، *کنوز الاجداد*، دمشق ۱۳۷۰/۱۹۵۰؛ محمدعلی مدرس تبریزی، *ریحانة الادب*، تهران ۱۳۶۹ ش؛ علی میرلوحی، *راغب اصفهانی: زندگی و آثار او*، اصفهان ۱۳۸۶ ش؛ یاقوت حموی، *معجم الادباء*، چاپ احسان عباس، بیروت ۱۹۹۳؛

Alexander Key, "A linguistic frame of mind: ar-Rāğīb al-İşfahānī and what it meant to be ambiguous", doctoral thesis, Harvard University 2012.

/ امیر احمد تواد /

راغب پاشا، صدراعظم، شاعر و مورخ عثمانی در قرن دوازدهم. او در ۱۱۱۰ در استانبول به دنیا آمد. نامش محمد، تخلصش راغب و لقب به قوجه (اندیشمند) بود و به مرور، به قوجه راغب پاشا شهرت یافت. محمد در کنار

منابع: علاوه بر قرآن؛ آقازرد طهرانی؛ ابوحنان غرناطی، *تفسیر البحر المحیط*، چاپ عادل احمد عبدالموجود و دیگران، بیروت ۱۴۱۳/۱۹۹۳؛ احمد حسن فرحات، *کتاب درة التنزیل و غرة التأویل* لاتصح نسبتہ الی الراغب الاصفهانی، *مجلة الشریعة و الدراسات الاسلامیة*، ش ۱۵ (جمادی الاولی ۱۴۱۰)؛ امیر احمد تواد، *بیررسی روش و دیدگاههای تفسیری راغب اصفهانی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس ۱۳۸۴ ش؛ عبدالله بن عیسی ائتندی اصفهانی، *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، چاپ احمد حسینی، قم ۱۴۰۱-۱۴۱۵؛ امین؛ مرتضی ابیروانی، *نقد و بیررسی کتاب مفردات راغب اصفهانی*، ترجمه محمدرضا ابیروانی، بیانات، سال ۱، ش ۲ (تابستان ۱۳۷۳)؛ اسماعیل بغدادی، *هدیة العارفين*، ج ۱، در حاجی خلیفه، ج ۵؛ علی بن زید یهقی، *تاریخ حکماء الاسلام*، چاپ محمد کرده‌علی، دمشق ۱۳۶۵/۱۹۴۶؛ *بصرة العوام فی معرفة مقالات الانام*، منسوب به سیدمرتضی بن داعی حسینی رازی، چاپ عباس اقبال آشتیانی، تهران: اساطیر، ۱۳۶۴ ش؛ رسول جعفریان، *تاریخ تشیع در ایران: از آغاز تا طلوع دولت صفوی*، تهران ۱۳۹۱ ش؛ محمدعدنان جوهرجی، *رأی فی تحدید عصر الراغب الاصفهانی*، *مجلة معجم اللغة العربیة بدمشق*، ج ۶۱، ش ۳ (ربیع الآخر ۱۴۰۶)؛ حاجی خلیفه؛ حمدالله مستوفی، *تاریخ کزیده*؛ خوانساری؛ *درة التنزیل و غرة التأویل*، [منسوب به] محمدین عبدالله خطیب اسکافی، چاپ محمد مصطفی آیلدین، مکه: جامعة ام القری، ۲۰۰۱/۱۴۲۲؛ ذهبی؛ حسین بن محمد راغب اصفهانی، *الاعتقادات*، چاپ شمران عجللی، بیروت ۱۹۸۸؛ همو، *تفسیر الراغب الاصفهانی من اول سورة آل عمران و حتی نهاية الآية (۱۱۳) من سورة النساء*، چاپ عادل بن علی شدی، ریاض ۲۰۰۳/۱۴۲۴؛ همو، *تفصیل الناشأتین و تحصیل السعادتین*، چاپ عبدالمجید نجار، بیروت ۱۴۰۸/۱۹۸۸؛ همو، *رسائل الراغب الاصفهانی*، [چاپ] عمر عبدالرحمان ساری، اردن ۱۴۲۶/۲۰۰۵؛ همو، *کتاب الذریعة الی مکارم الشریعة*، چاپ ابویزید عجمی، قاهره [؟ ۱۹۸۷/۱۴۰۷]، چاپ ائتست قم ۱۳۷۳ ش؛ همو، *معجم البلاغة: مختارات فی اللغة و الادب و الاخبار و النوادر*، چاپ عمر عبدالرحمان ساری، اردن ۱۹۸۶/۱۴۰۶؛ همو، *محاضرات الادباء و محاورات الشعراء و البلاغاة*، چاپ ریاض عبدالحمید مراد، بیروت ۲۰۰۴/۱۴۲۵؛ همو، *مفردات الفاظ القرآن*، چاپ صفوان عدنان داودی، دمشق ۱۴۱۲/۱۹۹۲؛ همو، *ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن*، با تفسیر لغوی و ادبی قرآن از غلامرضا خسروی حسینی، تهران [۱۳۶۱]-۱۳۶۹ ش؛ همو، *مقدمه جامع التفاسیر مع تفسیر الفاتحة و مطالع البقرة*، چاپ احمد حسن فرحات، کویت ۱۴۰۵/۱۹۸۴؛ همو، *نوادر: ترجمه کتاب محاضرات الادباء و محاورات الشعراء و البلاغاة*، از محمد صالح بن محمد باقر قزوینی، چاپ احمد مجاهد، تهران ۱۳۷۱ ش؛ محمدین بنیاد زرکشی، *البرهان فی علوم القرآن*، چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت ۱۴۰۸/۱۹۸۸؛ خیرالدین زرکلی، *الاعلام*، بیروت ۱۹۸۹؛ عمر ساری، *الراغب الاصفهانی و جهوده فی اللغة و الادب*، عمان ۱۴۰۷/۱۹۸۷؛ احمد بن یوسف سمن حلبی، *عمدة الحفاظ فی تفسیر اشرف الالفاظ: معجم لغوی لالفاظ القرآن الکریم*، چاپ محمد باسل عیون السود،

ضیاءالدین افندی، خواجه جامع بایزید، شد. از رفعت بغدادی و مصطفی وحی ای زبان فارسی، از حسین افندی، منشی مفتی استانبول، فقه و پس از آن پنج سال نزد خواجه حسن حسام افندی مشوی آموخت. در ۱۲۹۲ ق/ ۱۸۷۵ م به کار دولتی روی آورد و مقام نیابت یافت. روزگاری که نایب شهر معلقه بود، همزمان عضو مجلس ایتم و سرکاتب این مجلس نیز بود. وی سیزده سال در این سمت‌ها خدمت کرد و پس از آن نایب شهر ارزروم و سپس قاضی مدینه شد. دو بار حج گزارد. راشد اثری با نام ترجمه منظوم پندنامه لقمان حکیم دارد که در ۱۳۲۴ ق چاپ شده و برگردان منظوم پندهای منسوب به لقمان حکیم از فارسی به ترکی است. در این اثر هر پند به شعری ترکی ترجمه شده است. برخی از این پندها از این قرارند: «دوست و آشنا را به وقت رنج و سختی آزمای» و «دوست زیرک و دانا اختیار کن».

منابع:

Son asır Türk şairleri, 4/1364-1365 ; *Türk dili ve edebiyatı ansiklopedisi*, 7/285.

محمدی

راغب پاشا (rā.ḡeb.pā.šā)، محمد، معروف به قوجه راغب، فرزند شوقی افندی، استانبول ۱۱۱۰/۱۱۱۱ - همان‌جا ۱۱۷۶/۱۱۷۷ ق، صدراعظم، شاعر و نویسنده عثمانی. پدرش پیشه دفترداری داشت و او نیز پس از پایان تحصیلات به پیشه پدر روی آورد. در ۱۱۳۵ ق مأمور ثبت زمین‌هایی شد که عثمانیان از ایران به دست آورده بودند. سپس به همراه والیان برخی از سرزمین‌ها، از آن شمار احمدپاشا عارفی والی وان، عبدالرحمان پاشا کوپرولوزاده، علی پاشا والی تبریز و احمدپاشا والی بغداد، برای انجام مأموریت به این سرزمین‌ها سفر کرد و در ۱۱۴۱ ق به استانبول بازگشت. وی در ۱۱۴۲ ق بار دیگر مأمور بغداد شد و در همان سال به مقام دفترداری رسید. در ۱۱۴۶ ق در پی محاصره بغداد به دست نادر افشار به استانبول بازگشت و به مدیریت رسیدگی به دادخواست‌های دفتر مالیه درآمد. وی همچنین چندی سفیر عثمانی در ایران بود. در ۱۱۴۵ ق که سپاهیان نادر دژ بغداد را محاصره کردند، راغب افندی و محمد آغا، رئیس بغداد (کدخدای بغداد)، نزد نادر رفتند و از او

خدمت‌گزاران دولت‌مورد. راشد در مجالس درسی که در جامع‌ها برگزار می‌شد، شرکت می‌جست و از معلمان خصوصی زبان فارسی آموخت. قواعد شعر را نیز نزد حسن عینی (-۱۲۵۳ ق) فراگرفت. راشد افندی به خواست محمودندیم بیگ، وزیر دعاوی، کاتب دایره دعاوی شد. در ۱۲۵۱ ق/ ۱۸۳۵ م معاون کیسه‌دار دعاوی و در ۱۲۵۷ ق/ ۱۸۴۱ م کیسه‌دار دعاوی (مأمور رسیدگی و حفظ اسناد) شد. در پایان همان سال از کارش برکنار شد و در اداره داخلی (وزارت کشور) به کار پرداخت. وی در پی آن مناصب گوناگونی چون کاتب دیوان طاهرچنگل اوغلو (والی ادرنه)، حافظ احمد (محافظ بلگراد)، مصطفی ظریف (والی حلب) و فیض‌الله پاشا (والی ارزروم و سیواس) را داشت و نیز مهرداد مختارپاشا (وزیر دارایی) بود. در ۱۲۷۳ ق/ ۱۸۵۷ م سرکاتب مجلس تجارت و در ۱۲۸۸ ق/ ۱۸۷۱ م عضو دیوان استیناف شد، اما در ۱۲۹۰ ق/ ۱۸۷۳ م از این کار کناره گرفت. وی در ۱۲۹۹ ق/ ۱۸۸۲ م، در روزگاری که محمودندیم پاشا وزیر کشور بود، به مقام قاپوکتخداسی (مأمور رسیدگی به امور دوایر پایتخت در ولایات) قسطنطنیه و در پی آن طرابلس غرب منصوب شد. راشد به سبب توجه و لطف محمودندیم پاشا اثری به نام دیوانچه آثار عشق ۱۲۵۱ به نام او نوشت و به وی پیشکش کرد. راشد بعدها اشعاری نیز بر این دیوانچه افزود. خاکجایش در گورستان مرکز افندی است. وی به ترکی و فارسی شعر می‌سرود. از اشعار او است: «سر به سر درس جنون را همچو آب آموختیم - ما سؤال خشر را یعنی جواب آموختیم / در هوای می‌پرستی در چنین بزم ستم - شیشه خود را شکستن از حباب آموختیم...» از دیگر آثارش: رساله وقایع حلب که گزارش شورش است که در ۱۲۷۶ ق/ ۱۸۶۰ م در حلب دزگرفت. این اثر و نیز دیوانچه وی به چاپ رسیده‌اند.

منابع: سجل عثمانی، ۳۵۸/۲؛

Son asır Türk şairleri, 4/1351-1354 ; *Türk dili ve edebiyatı ansiklopedisi*, 7/286.

محمدی

راشد (rā.šed)، احمد فرزند یحیی دانشمند، استانبول ۱۲۶۰ ق/ ۱۸۴۴ م - شاعر عثمانی. پس از آن‌که تحصیلاتش را در مدارس ابتدایی و رشديه به پایان رساند، شاگرد احمد

TED

339. YÜKSEL, Sedit Koca Ragıp Paşa'nın bilinmeyen gazelleri. In: *TDe* 6.1.1974.77-80. [Unbekannte Gedichte Koca Ragıp Paşas (1699-1763).]

Ragıp Paşa

Dr. Altıntaş

RAGIP PAŞA

(K)

Ragıp Paşa Koca
Koca Ragıp Paşa

16 HAZİRAN 1997

Türk. Enst. T. 905

TED

372. YÜKSEL, Sedit Koca Ragıp paşa'nın Ramazâniyye'si. In: *TDe* 7.1977. 41-46. [Ragıp Paşa's Ramazâniyye.]

Ragıp Paşa

* Ragıp Paşa

23 SU

C 11 367

RĀGĪB BĀŞĀ (Muhammad)

رأب با (محمد)
- سفينة الراغب ودفينة الطالب / صفة محمد الصباغ
- الطبعة الثانية

- Bülâq : al-Naḥḥāca l-amṛiyya, 1282 [1865].-
10-680 p. ; 28cm.

"Saffinat ar-Rāgib wa-daffinat al-mutālib" .- GAL :
GII, 424 : SII, 632 (m. 1176/1763).

Sabbāg (Muhammad aṣ-).
Ed.

Civilisation islami-
que. Anthologic. 18e s.

TED

373. YÜKSEL, Sedit Koca Ragıp Paşa'nın sanatında ve yaşantısında Haşmet'in ve Fitnat'ın yerleri. In: *TDe* 7.1977.23-33. [Die Rolle der Dichter Haşmet und Fitnat im Werk und Leben Ragıp Paşa's.]
● Zu Âşık Tüccari, s. 501.

Ragıp Paşa

111210 - Koca Ragıp Paşa

19 NISAN 1997

"Koca Ragıp Paşa Divanı." Hüseyin Yorulmaz. Yüksek Lisans Tezi. İstanbul Üniversitesi, 1989.

111210 - Koca Ragıp Paşa

19 NISAN 1997

"Koca Râgıp Paşa, Hayatı, Eserleri ve Divanı'nın Tenkidli Metni." Mehmet Mollâoğlu. Doktora Tezi. Selçuk Üniversitesi, Devam ediyor.

Yüksel, Sedit

Koca Ragıp Paşa

"Koca Ragıp Paşa'nın Ramazâniyye'si"
Türkoloji Dergisi, Ankara.

7 sf. 41-46

Nezihe

RAGIP PAŞA

(K)

21 KASIM 1997

Koca Ragıp Paşa

Demirbağ, Ömer. "Koca Râgıp Paşa Divanı ve tahlili." Doktora Tezi. Yüzüncü Yıl Üniversitesi, Devam (Danışman: Prof. Dr. Birol Emil)

16 MAYIS 1998

Türkoloji Enstitüsü T. 56

- 2539 SIEVERT, Henning. *Zwischen arabischer Provinz und Hoher Pforte: Beziehungen, Bildung und Politik des osmanischen Bürokraten Rāgib Mehmed Paşa (st. 1763)*. Würzburg: Ergon, 2008 (Kultur, Recht und Politik in Muslimischen Gesellschaften, 11). 581pp. *Rāgib Paşa*
170035

27 Nisan 2014

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN



TARİHİ GERÇEKLER ve BİLİMİN IŞIĞINDA

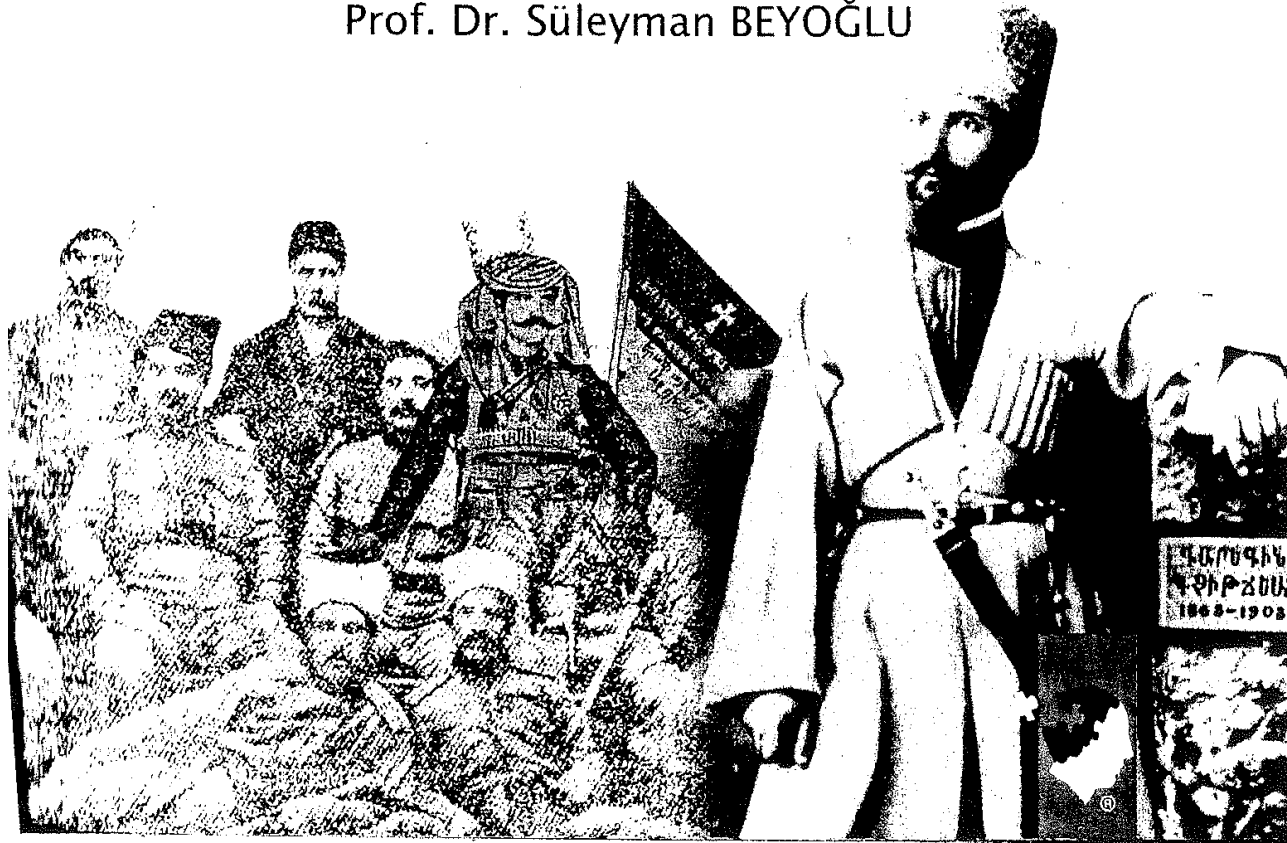
ERMENİ

SORUNU

EDİTÖRLER

Yrd. Doç. Dr. Bülent BAKAR • Prof. Dr. Necdet ÖZTÜRK

Prof. Dr. Süleyman BEYOĞLU



03 Mayıs 2014

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

Ragıp Paşa
170035

KOCA RÂGİB PAŞA DÖNEMİNDE OSMANLI
ERMENİLERİ

*Dr. Mesut AYDINER**

Türk-Ermeni ilişkileri çağları aşan, uzun ve nispeten aydınlık bir zaman dilimini kapsamaktadır. Tarihçi son çağların sıcak sorunlarını dikkate aldığı ve tartıştığı kadar, eski zamanların yaşanmış pratiklerini de göz önünde tutmak zorundadır. İşte bu çalışma Osmanlı Ermenilerinin “Dini ve kültürel Altın Çağı, Ermeni Hümanizm ve Rönesans Dönemi” olarak adlandırılan bir dönemden, yani XVIII. yüzyılın ikinci yarısına ait önemli bir bölümden kesitler aktaracaktır¹. Konu, özellikle Osmanlı Arşiv Belgeleri ile Ermeni

* Mimar Sinan -Güzel Sanatlar- Üniversitesi, Fen-Edebiyat Fakültesi Tarih Bölümü.

¹ Batı'daki Aydınlanma modelleriyle de ilişkili bir Ermeni Aydınlanması hareketi özellikle bu dönemde ortaya çıkar ve Ermeni toplumu, moderniteyle, içinde bulunduğu topluma göre oldukça erken bir tarihte tanışır. Matbaa ile önemli sermaye gücünün bileşiminde vücut bulan bu aydınlanma döneminde, daha teknik ve özelleşmiş entelektüel faaliyet alanlarında Batı'yla çok yakın temas kurulmuş, Ermeni toplumunun kitle eğitiminde önemli başarılar elde edilmiştir. Bu hareketin, Ermeni sermayesinin ‘Hocalar’ elinden ‘Amiralar ve Sarraflar’ eline geçtiği bir dönemle çakışması ilginçtir. Bu dönemin önemli başyapıtları arasında yer alan Tovmas ve Ğugas Vanantetsi'nin bastıkları Dünya Haritası, Avrupa'da bilimde kaydedilen gelişmelerin çok yakından takip edildiğini ortaya koyar. Yayıncıları bu girişime sevkeden şey yine doğrudan doğruya ticaret ile ilişkilidir ve bu durum haritanın kullanımı için basılan kitapçığın künyesinde özellikle belirtilmiştir: “Tüccarların, özellikle Ermeni tüccarların kullanımı için”. Boğos Levon Zekiyian, *Ermeniler ve Modernite, Gelenek ve Yenileşme/Özgürlük ve Evrensellik Arasında Ermeni Kimliği*, (Çev. Altuğ Yılmaz), İstanbul 2001, kitap konu ile ilgili baştan sona önemli ve değerli notlar içerir.; ayrıca bkz., Henry Jewell Sarkiss, “The Armenian Renaissance, 1500-1863”, *Journal of Modern History*, X, sayı. 4, 434-448; Bernard Lewis & Benjamin Franklin, “Osmanlı Devleti İçerisindeki Hristiyanlar ve Yahudiler”, (Çev. Halil Erdemir-Hatice Erdemir) *Akademik Araştırmalar Dergisi*, sayı. 4-5, (Özel Osmanlı Sayısı), İstanbul, 2000, s. 197-206.

01 Ocak 2016

YERİNDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

(170095) Ragıp Paşa
(140020) Nâdir Şah

D 1023
Türkiye Diyanet
Kütüphanesi
İslâm Araştırmaları

KOCA RÂĞIB PAŞA MÜNŞEÂT'INDA
NÂDİR ŞAH VE CAFERÎ MEZHEBİ TARTIŞMALARINA DAİR
MEKTUPLAR

Hasan GÜLTEKİN*

Öz

18. yüzyılın önemli devlet adamlarından ve aynı zamanda şair ve yazarlarından olan Koca Râgıb Paşa, 1110/1699 yılında İstanbul'da doğmuştur. Asıl adı Mehmed olup şiirlerinde Râgıb mahlasını kullanmıştır. Bir Divan'ı ve değişik konularda kaleme aldığı yedi mensur eseri ve Münşeât'ı vardır. Devlet işlerinde gösterdiği üstün başarıları ile I. Mahmud'un dikkatini çekmiş ve Nâdir Şah'ın İran'da tahta çıktığı 1736 yılında başlayan Caferî mezhebi görüşmelerindeki birinci heyette görevlendirilmiştir. 1736 yılında yapılan bu görüşmelerin anlatıldığı Tahkik ve Tevfik adlı eserini de I. Mahmud'un emri üzerine kaleme almıştır. Caferî mezhebi ile ilgili görüşmeler karşılıklı heyetlerin gönderilmesi ile sonraki yıllarda da devam etmiş fakat antlaşma sağlanamamıştır. Bu makalede, Râgıb Paşa'nın Münşeât'ında yer alan Caferî mezhebi görüşmelerine dair kaleme aldığı iki telhis, bir name-i hümayun ve bir sadrazam mektubunun transkripsiyonlu metinleri verilerek tahlil edilmiştir. Tahlile göre, Nâdir Şah'ın Caferî mezhebi meselesini ve bu konuyla ilgili yazdığı mektupları, Osmanlı Devleti'ne karşı askerî bir taktik olarak kullandığı ve yapmak istediği fetihler için zaman kazanmak istediği ihtimali değerlendirilmiştir.

Anahtar Kelimeler: Koca Râgıb Paşa, Nâdir Şah, Caferî mezhebi, münşeât, mektup, 18. yüzyıl

LETTERS ABOUT NADIR SHAH AND DISCUSSION OF JA'FARI
SECT IN THE KOCA RAGIP PASHA'S MUNSEAT

Abstract

Koca Ragıp Pasha is one of the most important statesmen of the 18th century and also an important poet and writer. His real name is Mehmed and he used the penname Ragıp in his poems. He has a Divan and a Munseat and the seven prose works too, which he wrote on various subjects. Thanks to his outstanding achievements in government jobs, he attracted the attention of Mahmud I. and he was assigned in the first negotiations in 1736 on the adoption of the Ja'fari sect by the Ottoman Empire. He wrote these negotiations held in 1736 in his book named *Tahkik ve Tevfik* on the orders of Mahmud I. Negotiations on Ja'fari sect continued in the next years, mutual delegations were sent but agreement could not be achieved. Ragıp Pasha wrote two telhis and one name-i hümayun and one letter of grandvezir about discussion in Ja'fari sect. In this article, transcribed text of this letters of Ragıp Pasha that are

* Doç. Dr., Adnan Menderes Üniversitesi, Fen-Edebiyat Fakültesi, Türk Dili ve Edebiyatı Bölümü, Aydın/Türkiye,
hgultekin@adu.edu.tr
DOI: 10.12973/hbvd.76.173

(170035)

Ragıp Pasha

ADDE YAYIMLANDIKTAN
NRA GELEN DOKÜMAN
20 Temmuz 2015

RAGHIB PASHA

(*sukr*), love for God (*mahabba*), and gnosis (*ma'rifa*)” (Cornell 1999: 62).

No matter how wondrous, God’s works are but veils obscuring the beauty and essence of God, obstacles in the way of eventual union of the lover with the Beloved. Thus Rabi’a’s conception of repentance (*tawba*) is more than mere remorse for sinning and the corresponding resolve to sin no more: repentance denotes the determination to turn away from all save God. Yet, perchance paradoxically, for Rabi’a *tawba* is a “gift [of grace] from God.” As such, it is a prelude to or necessary condition for a host of psycho-spiritual virtues and emotional dispositions; but most importantly, *tawba* allows for the abnegation of personal will in the will of God (logically derived from *tawhid*, the oneness of God). In addition to the longing of the lover for the Beloved (*shawq*), or the yearning of the soul purged of *nafs* (baser passions, selfish desires) to experience intimacy with God (*uns*), Rabi’a’s love mysticism therefore entails utter acquiescence of the lover in the will of the Beloved (*rida*’, literally contentment or satisfaction—no erotic union or marriage of equals here!). Not surprisingly, *rida*’ signifies God’s satisfaction with his loving servant’s obedience, which is metaphysically if not logically prior to the subjective experience of *rida*’, that is, the lover’s contentment with her lot in life, her share of misfortune, adversity, or suffering. Like the God of the Hebrew Bible, Rabi’a’s God is a jealous God “who will suffer none to share with Him that love which is due to Him alone” (Smith 2001: 131). Finally, disinterested love of God means the obedient servant is ideally motivated by neither hope for eternal reward (Paradise), nor fear of eternal punishment (Hell). In an Islamic variant of Euthyphro’s question, Rabi’a asks, “Even if Heaven or Hell were not, does it not behove us to obey Him?”

While a foretaste of the union of the lover with the Beloved is possible in this vale of tears, only death can bring about *kashf*, the

final unveiling of the Beloved to his lover(s). And it is thus *mahabba* that, in the end, makes possible knowledge (*ma'rifa*) of God. Ascetic practice serves both to heighten the sense of separation from, and intensify the longing for, the Beloved: acute awareness of the sin of separation assuming the form of grief and sorrow in Basran mysticism. Such lamentation was often vividly expressed—including by Rabi’a—through incessant weeping (*buka*’), the prolonged practice of which sometimes led to blindness (Cornell 1999: 61).

Although love for the Creator turned her away from love of created things, she faced her separation from the Beloved with a patience (*sabr*) and gratitude (*shukr*) that transcended any feelings of grief and sorrow, befitting one enthralled by a vision of eventual union with the Divine.

Further Reading

- Cornell, Rkia E. (trans.), *Early Sufi Women: Dhikr an-niswa al-muta'abbidat as sufyyat*, by Abu 'Abd ar-Rahman as-Sulami, Louisville, KY: Fons Vitae, 1999.
- el-Sakkani, Widad, *First Among Sufis: The Life and Thought of Rabia al-Adawiyya, the Woman Saint of Basra*, London: Octagon Press, 1982.
- Smith, Margaret, *Muslim Women Mystics: The Life and Work of Rabi'a and Other Women Mystics in Islam*, Oxford: OneWorld, 2001.

PATRICK S. O'DONNELL

RAGHIB PASHA, Mehmed
(1111–76/1699–1763)

Mehmed Raghıb Pasha was born in Istanbul in 1111/1699 and died in the same city on 24 Ramadan 1176/April 8, 1763. He was a great statesman, an eminent scholar,

395-397

170095

RÂGIB PAŞA

-
- ¹ YASİN DURSUN, Koca Râgıb Paşa'nın Arûz Risâlesi adlı eserinin tahkik ve tahlili, İstanbul Üniversitesi, Yüksek Lisans, 2014

- 2463 SIEVERT, Henning. Eavesdropping on the Pasha's
salon: usual and unusual readings of an
eighteenth-century Ottoman bureaucrat. *Osmanlı
Araştırmaları. Journal of Ottoman Studies*.41 (2013)
pp.159-195. Râğıb Mehmed Paşa d.1763, his
learning & his library.

Ragib Paşa
17005

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

12121 SIEVERT, Henning. *Zwischen arabischer Provinz und
Hoher Pforte: Beziehungen, Bildung und Politik des
osmanischen Bürokraten Râgib Mehmed Paşa (st.
1763)*. Würzburg: Ergon, 2008 (Kultur, Recht und
Politik in Muslimischen Gesellschaften, 11). 581 pp.

Ragib Paşa
170035

25. Mayıs 2014

Ragib Paşa
170095

OTTOMAN ARMENIANS IN THE PERIOD OF KOCA RAGIB PASHA*

Dr. Mesut AYDINER
Mimar Sinan University of Fine Arts
Faculty of Science and Literature
Department of History

ADDE YAYIMLANDIKTAN
ARA GELEN DOKÜMAN

11 2 Mayıs 2016

Abstract: *This article intends to analyze the life of Ottoman Armenians in Istanbul in the 18th century under the Grand-Vizierate of Koca Ragib Pasha. In his tenure, Armenians turned out to be one of the most favorable communities of the Ottoman capital, since they began to assume significant economic as well as political posts in the Ottoman administration. Utilizing Ottoman archives as well as Armenian chronicles, prominent Armenian families, their occupations, economic activities, etc. are covered in the article. What is more, the relationship between Armenian Patriarchs and Koca Ragib Pasha and the privileges and concessions that Armenians of Istanbul obtained are examined. Hence, the article aims to fulfill a significant gap in the literature regarding the "golden age" of the Ottoman Armenians.*

Key Words: *Ottoman Armenians, Koca Ragib Pasha, Armenian Patriarchate, sarrafs, Ottoman economy.*

Introduction

Turkish-Armenian relations comprise a long and relatively brilliant period that goes beyond centuries. The historian has to consider experienced practices of the past so long as he takes account of and discusses the hot issues of last centuries. This study will narrate sections from a conspicuous period, namely the second half of the 18th century, that is referred as the period of "The Religious and Cultural Golden Age, Armenian Humanism and Renaissance."¹ The subject

* This article was presented in a symposium entitled "Armenian Question in the Light of Science" organized by Marmara University, Department of History, on April 21, 2006. Its Turkish version was published in Bülent Bakar, [et. al.] (eds.), *Tarihi Gerçekler ve Bilimin Işığında Ermeni Sorunu*, İstanbul: IQ Kültür Sanat Yayıncılık, 2007, pp. 28-77

1 An Armenian enlightenment movement, which is related to the Enlightenment models in the West, appears especially in this period and the Armenian community becomes acquainted with modernity earlier than the society it lived together. In this enlightenment period, which occurred as a result of the printing press and significant capital power, a very close contact was established with the West in the more technical and specialized intellectual areas of activity, significant success was achieved in the mass education of Armenian community. It is interesting that this movement was coincided with the period when the Armenian capital

Ragıp Paşa
٢٦ - سفينة الراغب

لمحمد راغب باشا.

تصحیح : نصر الهورینی

بولاق : ١٨٦٦ م.

20 MAYIS 1995

13 ARALIK 1995

11 HAZIRAN 1993

Koca Ragıp Paşa

6970

Koca Ragıp Paşa Divanı. YORULMAZ, Hüseyin. Bil. Uz. İstanbul Üniversitesi, Sosyal Bilimler Enstitüsü, İstanbul, 1989. 184s.

Danışman: Prof.Dr.Kemal Yavuz.

RÂĞİB PAŞA, KOCA

11 HAZIRAN 1993

Ragıp Mehmed Paşa Tahkik ve Tevfik (tahlil ve metin).
İZGÖER, Ahmet Zeki. Bil. Uz. İstanbul Üniversitesi,
Sosyal Bilimler Enstitüsü, İstanbul, 1988. 191s.
Danışman: Doç.Dr.İsmet Miroğlu.



25 TEMMUZ 1992

OSMANLI ŞAİRLERİ

Hazırlayan

Yrd. Doç. Dr. Cemâl KURNAZ

| | |
|---|-------------------|
| Türkiye Eyalet Vakfı İstanbul Şubesi | |
| Kayıt No : | 9219 |
| Tasnif No. : | 928-7811 MUA.0 |

KÜLTÜR ESERLERİ DİZİSİ: 55

RÂĞIB MEHMED PAŞA*

Koca Râğıb ünvanı ile tanınmaktadır. Kendi eseri olan :

محمد رجب الامان محمد
راغب ونى نوالك راغب¹

beyti mühüründe nakşedilmiş idi.

Defterhâne kâtiplerinden Şevki Mehmed Efendi'nin oğludur. 1110/1698-99 tarihinde doğmuştur. Gençliğinin ilk yıllarında bir yandan marifet tahsiline ihtimam, bir taraftan da —pederine yoldaş olarak— defterhâneye devam ederdi. Bu esnâda, sahip olduğu yüksek istidât kendisine akranları arasında bir imtiyaz rütbesi vermiş idi. Bunun semeresi olarak evvela Revan valisi Ârifi Ahmed Paşa'nın mektupçuluğu hizmetinde, ikinci olarak Tebriz ciheti seraskeri Ali Paşa'nın maiyetinde defter emini vekâletinde bulunduktan sonra, 1140/1727-28'de Revan defterdarı olmuştur. Bir sene sonra İstanbul'a dönüşünde reisül-küttâb vekâletiyle ve timar ve ze'âmet dağıtım hizmetiyle Hemedan'a gönderildi. 1143/1730-31'de «ath mukabelesi» pâyesine ilâveten Bağdat defterdarlığına tayin buyuruldu. 1146/1733-34'de yine İstanbul'a gelince mâliye tezkirecilğine şeref verdi. 1148/1735-36'da kendisine Erzurum seraskerliği verilen eski Bağdat valisi Ahmed Paşa maiyetinde yine riyâset vekâletiyle ordu defterdarlığına tayin edildi. Tekrar İstanbul'a geldikten ve «Acem elçileri mukâlemesi» gibi birkaç mühim memuriyette daha bulunduktan sonra 1149 Ramazanın ikinci günü (4 Ocak 1737) sadâret mektupçuluğuna naklolanmakla beraber reisül-küttâb Mustafa Efendi ile Nümejrava antlaşmasına memur edildi. Mektupçulukta, önceki hizmetlerini aydınlatacak surette işler gördüğünden 1153 Zilkadesi ortalarında (Ocak - Şubat 1741) Mustafa Efendi'nin yerine reisül-küttâb oldu. 1157 Rebiyülevveli ortalarında (Nisan - Mayıs 1744) vezirlik rütbesiyle Mısır valiliğine tayin kılındı. Orada dört beş sene gayet tedbirli olarak vazife yaptıktan sonra :

* Mecmua-i Muallim, s. 193-96; Esâmî, s. 145-46.

1) Mehmed Râğıb, Hz. Muhammed ile eman diliyor ve korktuklarından emin olmak istiyor, atânızı dahi talep ediyor.

Kelâl geldi tasarrufdan ümm-i dünyâyı

Yeter şu Kahire'nün kahrı azm-i Rûm edelüm (2)

demeğe başladığı sıralarda nişancılık ile İstanbul'a davet buyuruldu. 1160/1747'de Aydın muhassılı oldu. 1163 Zilkadesinde (Ekim 1750) oradan Sayda'ya nakil buyurulmuş iken Raka eyaletine değiştirildi. Sayda'ya naklinden bir dereceye kadar gücendiğinden :

Gözü aydın rakibün tirelendi kevkeb-i bahtum

Sevâd-ı şâm-ı gam mı sevdiğüm Saydâ nedür şimdi (3)

beytini ihtiva eden şikâyetli gazelini söylemiş idi.

1168 Şevvâlinin başlarında (Temmuz 1754) Abdullah Paşa'ya halef olmak üzere valilikle Raka'dan Haleb'e gitti. 1170 Rebiyülâhirin on beşinde (7 Ocak 1757) Şam eyaleti ve emirü'l-hâlık ile müjdelendiği halde, yirmisinde (12 Ocak) padişahın silâhdârı vasıtasıyla Mustafa Paşa'nın yerine sadrazamlık makamına davet buyuruldu. Cemâdiyelâhirenin sekizinci günü (22 Şubat) İstanbul'a ulaşarak öteden beri liyakatini isbat edegeldiği bu yüce makama oturdu.

Zaman Sultan III. Osman zamanı idi. Daha sonra Sultan III. Mustafa devrinin gelmesiyle Koca Râğıb'ın ikbal yıldızı tamamıyla parlamaya başlamış, hatta padişahın kızkardeşi Sâliha Sultan'la evlenerek yüce akrabalık şerefine dahi nâil olmuştur.

Tarihin şehâdetiyle sâbit olduğu üzere, aralıksız beş altı sene devam eden sadrazamlığı müddetince Osmanlı devletine pek büyük hizmetler etmiştir. Kendisinin kaybindan sonra :

Misâl-i haşv-i mısra' feyzi yokdur her tenün zarfun

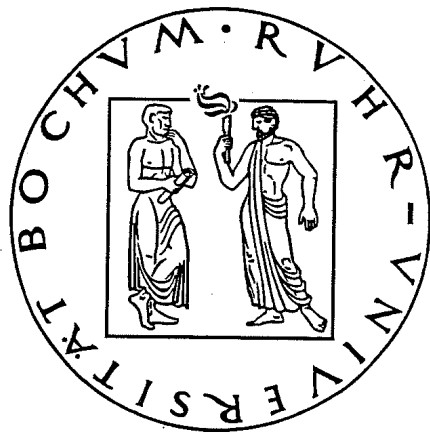
Tutar yer geçse sadra Râğıb'un ammâ yerin tutmaz (4)

meâli meydana çıktığından, bu hizmetlerin büyüklüğü daha ziyade takdir olunmuştur.

2) Mısır'da bulunmaktan bıkkınlık geldi; yeter artık şu Kahire'nin kahrı, Anadolu'ya gidelim.

3) Rakibin gözü aydın, baht yıldızım kararı yine. Sevdiğim, Sayda şimdi gam akşamının siyahlığı mıdır nedir? Burada aydın, tire, şâm kelimeleri sözlük mânâlarında kullanılmakla birlikte, aynı zamanda birer belde adıdır. Edebiyatımızda tamamen bu şekilde beyitlerden kurulmuş şiirlere bilâdiye adı verilmektedir. Bu örnekte görüldüğü gibi, şiirlerdeki münferit beyitler, herhalde bilâdiyelerin habercisidirler. (bkz. Cemâl Kur-naz, «Bilâdiye-i Derviş Ömer Efendi», Türk Kültürü, sayı 261, Ocak 1985, s. 35-40).

4) Her tenin, zarfın feyzi yoktur. Mısralardaki haşv (boş, doldurma sözler) gibi, sadrazamlık makamına geçip otursa belki bir yer işgal eder, ama Râğıb'ın yerini tutmaz.



88835
Soyun ve.
Selamlatimale
Y. SANKAYA
2.7.03

Abgeschlossene und laufende Forschungsarbeiten
der Nachwuchsgruppe (Volkswagen-Stiftung)

**Islamische Bildungsnetzwerke
im lokalen und transnationalen Kontext
(18.-20. Jahrhundert)**

am Seminar für Orientalistik und Indologie
der Ruhr-Universität Bochum

| | |
|---|-----------------|
| Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi | |
| Dem. No: | 88835 |
| Tas. No: | 297.09 ISL.B |

November 2002

**Personennetzwerke zwischen Zentrum und Provinz:
Koca Râğib Mehmed Paşa (1698 – 1763)**

Henning Sievert

I. Das Osmanische Reich in der Krise

Das 18. Jahrhundert war eine entscheidende Periode des Übergangs im Nahen Osten. Das Osmanische Reich hatte seit Beginn der Neuzeit Südosteuropa, Nordafrika und Vorderasien beherrscht. Während aber die anderen „Empires of Gunpowder Times“¹ der muslimischen Welt (das safavidische Persien und das indische Moghulreich) zu dieser Zeit zusammenbrachen, bestand das Osmanenreich trotz schwerer Krisen bis zum Ersten Weltkrieg fort.

Die ersten Dekaden des 18. Jahrhunderts brachten dem Sultan sogar militärische und diplomatische Erfolge gegen die Hauptgegner Rußland, Österreich und Persien. Nach einer relativ langen Zeit äußeren Friedens begann mit dem osmanisch-russischen Krieg von 1768-74 eine Serie massiver Niederlagen, die das Ende des Reiches zu bedeuten schienen. Zugleich verschärfen sich die Finanzprobleme des Reiches, militärisch zeigten sich westliche Mächte zunehmend überlegen, und immer mehr Provinzen schienen der Kontrolle der Zentralmacht zu entgleiten. Die zentralen Eliten des Reiches schienen jedoch keinen Anlaß zum Handeln zu sehen, sondern offenen Auges auf den Untergang zuzusteuern.

Die politische Ordnung des Staates im modernen Sinne nahm in einigen westeuropäischen Reichen im Laufe des 18. Jahrhunderts deutlicher Gestalt an. Noch heute wird der Staat durch institutionell und personell differenzierte Zentralität mit monopolisierter Regelungskompetenz und Gewaltausübung in einem abgegrenzten Territorium definiert.² Wesentliche Elemente seiner Entwicklung bestanden in der allmählichen Ausdifferenzierung einer rationalen Bürokratie³ und der Durchsetzung der

¹ M. G. S. Hodgson, *The Venture of Islam III*, S. 1 – 26.

² M. Mann, *States, War and Capitalism*, Oxford 1988, S. 4, zurückgehend auf Weber.

³ M. Weber, *Wirtschaft und Gesellschaft: Grundriß der verstehenden Soziologie*, ed. J. Winckelmann, Tübingen 1980, S. 551 – 579 und 652 f. Zur Entwicklung der osmanischen Bürokratie im Vorfeld der Tanzîmât-Periode siehe zusammenfassend C. V. Findley, *Bureaucratic Reform in the Ottoman Empire*, Princeton 1980, S. 14 – 39.

5 - سفينة الراغب ودفينة المطالب

نيسري راشد أفندي رقم 954 ورقة 415 ، 1195 هـ فاتح
رقم 3922 ؛ قسطموني رقم 814 ؛ آق حصار رقم 53 ؛
راغب باشا رقم 1308/1489 ورقة 407 ؛ رقم
958/1119 ورقة 5 ، 1179 هـ سليم آغا رقم 952 ورقة
345 ، 1184 هـ عاطف أفندي رقم 2136 ؛ حالت أفندي
رقم 758 ؛ خسرو باشا رقم 578 صفحة 367 ؛ مهر شاه
سلطان رقم 387 صفحة 178 ، 1195 هـ ؛ سليمان (برتر
باشا) رقم 274 ؛ فيض الله أفندي رقم 308 ؛ حميديه رقم
1135 ؛ ولي الدين أفندي رقم 2599 صفحة 754 ؛ أسعد
أفندي رقم 2/1382 ؛ رقم 1203 ، 1204 ؛ وهي أفندي
1674 ورقة 527 ، 1182 هـ ؛ طبع في القاهرة 1282 ؛

6 - عروض راغب باشا - في الأدب
حالت أفندي رقم 740 ؛

7 - غزليات راغب باشا - في الأدب (ت)

إزمير ملي 2/1281 ورقة 84 - 116 ؛ 1219 هـ ؛

8 - فتح قلعه طائف (ت)

علي نهاد ترلان رقم 2/85 ورقة 40-44 ؛

9 - فتحه = فتح نامه بلغراد (منظوم منثور) (ت)

أسعد أفندي رقم 2/2442 ؛ 2/3442 ورقة 43 - 58 ؛

رقم 2/3655 ورقة 16 ؛ 1163 هـ ؛

10 - قصة غزوة حنين = الرسالة الحنينية (ت)

أسعد أفندي رقم 339 ، 3/2258 ؛ جامعة استانبول رقم

2593 ؛ 3167 ؛ 3186 ؛ أمانت خزينه سي 1463 ورقة

22-7 ؛

11 - كلييات راغب - في الأدب (ت)

خسرو باشا 533 ؛ مجلس 96 ورقة 78 ؛ 1204 هـ ؛

12 - منشآت راغب باشا - في الأدب (ت)

راغب باشا رقم 1/1191 ورقة 44 ؛ لالا إسماعيل رقم 598 ؛

علي نهاد ترلان رقم 1/85 ورقة 251 ؛

4793 - محمد راغب باشا بن محمد شوقي الإستانبولي العثماني

الحنفي الوزير الأعظم الشاعر الأديب المتخلص براغب المشوق
1762/1176 ودفن بدار الكتب التي أنشأها ؛

(أنظر : ذيل كشف الظنون 503/1 ، 17/2 ؛ مجلة النصاب
ورقة 227 ؛ عثمانلي مولفلي 190/2)

من تصانيفه :

1 - تلخيصات راغب باشا في الإنشاء (ت)

بايزيد رقم 5848 ورقة 95 ؛ عاطف أفندي رقم 2028 ؛

أسعد أفندي رقم 2/3442 ؛ أحمد ثالث يكيل رقم 1/4706
ورقة 92 ، 1204 هـ ؛

2 - التحقيق والتوفيق في بيان أحوال السلطان محمود خان
والصدور ومشايخ الإسلام (ت)

أحمد ثالث يكيل 2/4706 ورقة 92 - 190 ، 1204 هـ ؛
ذكر وقائع أنشار نادر شاه مع الدولة العثمانية ؛

3 - تحقيق وتوفيق بين مذهب السني والإمامي (ت)

خسرو باشا رقم 376 ؛ معلّم حودت 117/K ورقة 106 ؛
سيواس ضيا بيك رقم 297 ؛

4 - ديوانجه راغب - في الأدب (ت)

قره خان أوغلي رقم 119 ورقة 45 ؛ طبع في Istanbul
؛ 1276 ؛

(الحاج ابراهيم افندی) حلیدر عبدالغنی نابلسی تلامذندن اولوب
مصرده جامع ازهرده تدریسده بولندی درسعداته کلدکده راغب پاشایه برخیلی
زمان معلم اولدی موصله سلیمانیه مدرسی اولوب ۱۱۹۰ده فوت اولدی ایوبده
مدفوندر «عالم فاضلدر درمختارده حاشیه یابدی ورسائل سائره یازدی
سیرنبوی بی التمش اوچ بیتله تنظیم وبعده شرح ایبلدی عاصم افندی بونی ترجمه ایبلدی
دامادی (احمد حجازی) دخی ۱۱۹۰ده وفات ایوب یانسه دفن ایبلدی
مخدومی مدرسیندن حلبي زاده اسماعیل حقی افندی ۱۲۱۶ده وفات ایبلدی
طویقپویه دفن ایبلدی رجالدن حلبي زاده علی رائف افندی بونک مخدومیدر •
(ابراهیم ندیم افندی) سرابطا سعید افندی مخدومیدر •

(ابراهیم اغا) (اهلی اغاجق) صدر اعظم اتباغندن اولوب قپوجی
باشی ۱۱۷۹ شوالنده ارپه امینی ۱۱۸۰ده قپوچیلر کتخداسی و صکره قپوجی
باشی اولدی ۱۱۹۲ده وفات ایوب اسکداره دفن اولندی •

(ابراهیم اغا) یکچیریدر بالنفیض قول کتخداسی ۱۱۹۲ده یکچیری
اغاسی اولوب ۱۱۹۳ده عزل ایله تکفور طاعنه نفی اولمش واوراده
وفات ایلشدر •

(ابراهیم حفظی پاشا) (مشعله جی)

سرحداغاسی اماسیه لی سید خلیل اغا صلبندن ۱۱۳۵ده تولد ایبلدی باش
محاسبیه دوام ایوب ذمت خلیفه سی اولدی ۱۱۷۴ جازدی الاولنده بهکده
کوندرلدی بعدالعوده بنه ذمت خلیفه سی اولدی ۱۱۷۹ده شهر امینی اولدی
۱۱۸۲ده باش محاسبه جی وشوالده دفتردار شق اول اولدی ۱۸۳ رمضانده
کتخدای صدر عالی اولدی ۱۸۴ شعبانی نصفنده عزل اولندی چونکه خلیل
پاشانک انزای کچه سی مشعله ایله عسکر چادرلرینی کزوب عسکره بخشیش
وبردی فراریلر عیلمرینی سترایچون کتخدایک بزی مشعله ایله دشمنه کوستردی دیو
عزلنه باعث اولدیلهر سلاستره وروسجق وشمعی محافظلرینی تقنیشه مأمورودیلدیکی
برده اقامته مأذون اولدی و ۱۱۸۵ صفرنده روزنامه اول اولوب درسعداته
عودتنده نشانجی وکیلی اولدی ۱۸۸ ربیع الاولنده روزنامه جی اولوب بعد
المصالحه معزول اولدی ۱۸۹ جازدی الاولنده ثابا کتخدای صدر عالی اولوب
ذی القعدنک طقوزنده عزل ایبلدی ۱۹۰ جازدی الاخرنده نشانجی و ذی القعدنک

121078



T.C. KÜLTÜR BAKANLIĞI YAYINLARI / 2052

Yayımlar Dairesi Başkanlığı

Türk Büyükleri Dizisi / 164

KOCA RAGİB PAŞA

| | |
|---|------------|
| Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi | |
| Dem. No: | 121078 |
| Tas. No: | 928 KOC |

Yrd.Doç.Dr. Hüseyin YORULMAZ

Ankara
1998

KOCA RAGIP PAŞA'NIN RAMAZÂNİYYE'Sİ

SEDİT YÜKSEL

Koca Ragıp Paşa'nın yayımlanmamış manzumelerinden biri de Ramazâniyye'sidir. Paşa'nın yazma Divan'larından pek çoğunda ve yine Divan'ının bir yıl ara ile düzenlenen iki ayrı baskısı (1252/1836;1253/1837) baskılarında bulunmayan bu kaside Bağdat Valisi Ahmet Paşa¹ övgüsündedir. Şair'in andığımız basılı iki Divan'ı da

Edince hâme-i sihr-âferînim hurde cevlânı
Olur nakş-i per-i tâvûs dâğ-i hasret-i Mânî

matlamı taşıyan yine bu Ahmet Paşa adına yazılmış bir başka kasidesiyle başlar. Ragıp'ın Ramazâniyye'sinin, Nedim'in ünlü Ramazâniyye²'sine nazire olduğu anlaşılıyor. Nedim'in bu manzumesinin de

Yevm-i şek deyü boğaz cengin iderken yârân
Zâhir oldu alem-i nusret-i şehr-i Ramazân

diye başlayan, çağdaşı Kâmî (öl. 1136/1724)'nin Ramazâniyyesine nazire olduğu biliniyor³. Her üç kaside de aynı vezin (mef'ûlü mefâilü mefâilü feû-lün), aynı kafiye (cihân, ayân, nigerân, Ramazân) ile yazılmıştır. Paşa'nın Ramazâniyye'sinde Nedim'in etkisi açıkça görülmekle beraber şairimiz bu manzumesinde "taklitçi" olmaktan uzak kalabilmiştir. Ramazâniyye, Koca Ragıp Paşa'nın, daha çok, söylentilere dayanan, gereğince belgelendirilemeyen bir yönüne, "mizah" yönüne ışık tutmaktadır. Gerçekten, şairimizin mizaha, nükteye, eski deyişle "mülâtafa"ya eğilimli, hoşsohbet bir kişi olduğu söylenilip durmuştur. Çağdaşları Haşmet (öl. 1182/1768) ve Fitnat (öl. 1194/1780) ile olan "mülâtafa" ve "müşâare"leri bilinmektedir⁴. Ramazâniyye beyit-

1 Ragıp, sözünü ettiğimiz Bağdat Valisi Ahmet Paşa zamanında Defterdarlık görevinde bulunmuştu: Ramazâniyye'yi bu görevi sırasında yazmıştır (Sefinetü'r-rüesâ'dan naklen *Divân-i Râgıb*, İzmir, Millî Kütüphane, T. Y., No. 35/41, müstensih Ahmet Nüzhet'in önsözü).

2 *Nedim Divanı*, Abdülbâki Gölpınarlı yayını, s. XXX, İstanbul, 1972.

3 Aynı eser, s. 44-47.

4 Bunlardan kimileri için bkz. (Prof.) İsmail Hikmet (Ertaylan), *Koca Ragıp Paşa ve Fitnat*, s. 17-19, İstanbul, 1933 ve Ali Canip Yöntem, *Kahkaha* dergisi, s. 31-32, İstanbul, 1949.

Türko/loji Dergisi, VII, 1997 Ankara

5.23-34 Dergi / Kitap
Kütüphanede Mevcuttur

03 KASIM 1997

KOCA RAGIP PAŞA'NIN SANATINDA ve YAŞANTISINDA HAŞMET'İN ve FİTNAT'IN YERLERİ

SEDİT YÜKSEL

Şair Haşmet¹ ile Koca Ragıp Paşa'nın yakınlığının sözü çok edilmiştir. Bu yakınlığın derecesini belirlemek, sınırını çizmek için elimizde Haşmet'in manzumeleri, Ragıp-Haşmet ikilisi arasında olduğu öne sürülen fıkralar ve bir de çeşitli biyografik kaynaklar vardır. Biz bu değerlendirmede, her şeyden önce, en geçerli belgeler olarak kabul ettiğimiz, Haşmet'in manzumeleri (Divan'ı) üzerinde duracağız. Bu manzumeler, kanımıza göre, sözünü ettiğimiz yakınlığın gerçek ve somut tanıklarındır.

Haşmet'in Divan'ındaki 228 gazelin 14'ü Ragıp'ın gazellerine nazire olarak kaleme alınmıştır. Gerek çağının, gerek daha öncesinin kimi şairlerine yazılmış nazire gazelleri arasında bu sayının başta gelişi, Haşmet'in, Koca

1 Haşmet (?-1768) İstanbul'da doğmuştur. Asıl adı Mehmet'tir. Kazasker Abbas Efendi'nin oğludur. Medrese öğrenimi görmüş, müderrislik etmiştir. Gençlik çağlarında Koca Ragıp Paşa'nın himayesini kazanmıştır. Hicivleri ve siyasal eleştirileri sonucu önce Bursa'ya, sonra Rodos'a sürgün olarak gönderilmiştir.

Kasidelerinde, çağının birçok şairinde de görüldüğü gibi, Nef'i etkisi hissedilmekle birlikte, yer yer Nedim ve Sâbit'in etkileri de sezilmektedir. Çoğu nazire olan gazelleri için de aynı sey söylenebilir. Ruhta, duyuşta ve söyleyişte yalnlık, "külfetsizlik" gazellerinin ortak özelliği olarak belirlemektedir. Mısralarında ne orijinallik ne de lirizm var. Nabî, daha çok da Ragıp Paşa etkisiyle söylemeğe çalıştığı biraz eleştiriye, biraz mizaha kaçan mısralarında da güçlü ve derin olamıyor. Kişisel yaşantısındaki hoşluklarının Divan'ına yansımadığını görüyoruz. Yine, Divan'ına bakarak O'nu çağının ikinci derecede bir şairi olarak değerlendirebiliyoruz. Basılı Divan'ı dışında bir de Sûr-nâme (Vilâdet-nâme)'si vardır: III. Mustafa'dan önceki iki padişah (I. Mahmut ve III. Osman)'ın çocukları olmamıştı. Bu nedenle, Mustafa'nın 1759'da doğan kızı Hibetullah için, çağının birçok şairi tarihler düşürmüşler, kutlama manzumeleri yazmışlardı. Haşmet'in Sûr-namesi de bu mutlu olay münasebetiyle kaleme alınmıştı. Olayın doğurduğu genel sevinç ve yapılan eğlenceler Sûr-nâme'de oldukça canlı bir dille anlatılmıştır.

Şair hakkında daha geniş bilgi için İ. A. Cilt: V, s. 354-55'e bkz.

KOCA RAGIP PAŞA'NIN BİLİNMEYEN GAZELLERİ

SEDİT YÜKSEL

XVIII. yüzyıl Divan edebiyatımızın değerli şairlerinden Koca Ragıp Paşa, sanatçılığı ile olduğu kadar, çok yönlü kişiliği (bilgin, çevirmen, kütüphaneci) ile de dikkatleri üzerinde toplamış bir Türk büyüğü idi. Çağında, başarılı bir politikacı olarak yaygın bir üne kavuşmuş, gerek yerli gerek yabancı kaynaklarda uzun süre kendinden söz ettirmiştir. Aynı şekilde, şairimizin -manzum, mensur- yazmalarına da kütüphanelerimizde çokça rastlanır. Bu arada onun sanat alanındaki ününü borçlu bulunduğu Divan'ın da pek çok yazması olduğu bilinir. Divan'ın yeni yazılı baskısı henüz yapılmamıştır. Hazırlanacak yeni baskının, her bakımdan kusursuz, yanlışsız, sahibinin elde edilebilecek bütün manzumelerini kapsayıcı nitelikte olması gerekir. Böyle bir tenkitli baskı "édition critique"nın düzenlenmesi için gerekli koşullar ve olanaklar şimdiden hazırdır:

Paşa'nın; biri ölümü (8 Nisan 1763)'nden 7 ay (Ekim 1763), öbürü beş yıl sonra (1768); ilki pek yakın bir dostu, ikincisi, onun mühürdarı taraflarından meydana getirilmiş, güvenilir iki yazma Divan nüshası¹ mevcut bulunmaktadır. Divan'ın eski yazı ile iki baskısı vardır: İlki 1252/1836'da tek başına; ikincisi, bir yıl sonra, 1253/1837'de Münşeât ile birlikte basılmıştır.

Gerek biraz önce andığımız yazma nüshalardaki, gerek bu iki baskıdaki manzume, özellikle, gazel sayılarının değişik oluşu, ayrıca, hacim bakımın-

1 Sözü edilen yazmalarına ilki *Tuhfetü'l-hattâtin* sahibi Müstakim-zade Süleyman Sadetin'in "hatt-ı dest" iyle olan nüshadır ki İstanbul'da, sayın Gıyasettin Akgül'ün özel kitaplığındadır; ikincisi, kütüphanelerimizde-bizim bildiğimiz-iki nüshası (biri İstanbul Ragıp Paşa Kütüphanesi'ndeki 1191/2, öbürü İzmir Millî Kütüphanesi'ndeki 35/41 numaralı yazmalar) bulunan yazmadır. Bu iki nüsha, Paşa'nın sadrazamlığından önce, muhassıllıklarıyla görevli bulunduğu Rakka'da ve Halep (1164-1170)'te devatdarlığını, daha sonra da-şairimizin ölümüne kadar- mühürdarlığını yapmış bulunan Ahmet Nüzhet tarafından düzenlenmiş ve onun kaleminden çıkmıştır. Ahmet Nüzhet, andığımız İzmir nüshasında, Paşa'nın ağzından (lisân-ı fasîhü'l-beyânlarından) geniş bir biyografyasını vermektedir.

KİTABEVİ 186

Osmanlı Tarih Kaynakları, 4

Yayımlayan

Mehmet VARİŞ

Editör

Dr. Erol ÖZVAR

Kapak

Minyatür 522 75 22

İçdüzen

Muhammet Safi

Baskı-Cilt

Çalış Ofset

Şubat, 2003

İstanbul

ISBN: 975-7321-80-X

KİTABEVİ Çatalçeşme Sok. No: 54/A Cağaloğlu-İSTANBUL
Tel: (0212) 512 43 28-511 21 43 • Faks: 513 77 26

Koca Râgıb Mehmed Paşa

Tahkik ve Tevfik

-Osmanlı-İran Diplomatik Münasebetlerinde
Mezhep Tartışmaları-

Hazırlayan

Ahmet Zeki İzgöer

| | |
|---|------------------|
| Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi Yavuz AĞGİT Bölümü | |
| Dem.No. | 121131 |
| Tes.No. | 227-65 121131 |

KİTABEVİ

186 HAZİRAN 2003

Ragib Paşa (170095)

167801

TC
MİMAR SİNAN GÜZEL SANATLAR ÜNİVERSİTESİ
SOSYAL BİLİMLER ENSTİTÜSÜ
TARİH ANABİLİM DALI
ORTAÇAĞ TARİHİ PROGRAMI

31 ARA 2007

**KOCA RÂGİB PAŞA
HAYATI VE DÖNEMİ**

(Doktora Tezi)

Abdülkadir Özcan

Hazırlayan
Mesut AYDINER
20006148

Danışman
Prof. Dr. Abdülkadir ÖZCAN

İSTANBUL 2005

| | |
|---|------------|
| Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi | |
| Dem. No: | 167801 |
| Tas. No: | 928 100 |

Handwritten signature

Râgıb Mehmed Paşa
T A H K İ K V E T E V F İ K
(Tahlil ve Metin)

Hazırlayan
Ahmet Zeki İzgöer
299

Danışman
Doç.Dr.İsmet Miroğlu

| | |
|---|-----------------|
| Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi | |
| Dem. No: | 98439 |
| Tas. No: | 327.55 KOC.T |

Personennetzwerke zwischen Zentrum und Provinz:

Çoca Râğib Mehmed Paşa (1698 – 1763)

Henning Sievert

I. Das Osmanische Reich in der Krise

Das 18. Jahrhundert war eine entscheidende Periode des Übergangs im Nahen Osten. Das Osmanische Reich hatte seit Beginn der Neuzeit Südosteuropa, Nordafrika und Vorderasien beherrscht. Während aber die anderen „Empires of Gunpowder Times“¹ der muslimischen Welt (das safavidische Persien und das indische Moghulreich) zu dieser Zeit zusammenbrachen, bestand das Osmanenreich trotz schwerer Krisen bis zum Ersten Weltkrieg fort.

Die ersten Dekaden des 18. Jahrhunderts brachten dem Sultan sogar militärische und diplomatische Erfolge gegen die Hauptgegner Rußland, Österreich und Persien. Nach einer relativ langen Zeit äußeren Friedens begann mit dem osmanisch-russischen Krieg von 1768-74 eine Serie massiver Niederlagen, die das Ende des Reiches zu bedeuten schienen. Zugleich verschärften sich die Finanzprobleme des Reiches, militärisch zeigten sich westliche Mächte zunehmend überlegen, und immer mehr Provinzen schienen der Kontrolle der Zentralmacht zu entgleiten. Die zentralen Eliten des Reiches schienen jedoch keinen Anlaß zum Handeln zu sehen, sondern offenen Auges auf den Untergang zuzusteuern.

Die politische Ordnung des Staates im modernen Sinne nahm in einigen westeuropäischen Reichen im Laufe des 18. Jahrhunderts deutlicher Gestalt an. Noch heute wird der Staat durch institutionell und personell differenzierte Zentralität mit monopolisierter Regelungskompetenz und Gewaltausübung in einem abgegrenzten Territorium definiert.² Wesentliche Elemente seiner Entwicklung bestanden in der allmählichen Ausdifferenzierung einer rationalen Bürokratie³ und der Durchsetzung der

¹ M. G. S. Hodgson, *The Venture of Islam III*, S. 1 – 26.

² M. Mann, *States, War and Capitalism*, Oxford 1988, S. 4, zurückgehend auf Weber.

³ M. Weber, *Wirtschaft und Gesellschaft: Grundriß der verstehenden Soziologie*, ed. J. Winckelmann, Tübingen 1980, S. 551 – 579 und 652 f. Zur Entwicklung der osmanischen Bürokratie im Vorfeld der Tanzimât-Periode siehe zusammenfassend C. V. Findley, *Bureaucratic Reform in the Ottoman Empire*, Princeton 1980, S. 14 – 39.

Râgıp Paşa (170095)

31 APA 2007

T.C.
SAKARYA ÜNİVERSİTESİ
SOSYAL BİLİMLER ENSTİTÜSÜ

167906
F

**BELGRAD HAKKINDA RÂGİP PAŞA'YA AİT BİR
RİSALE:FETHİYYE-İ BELGRAD (1739)**

YÜKSEK LİSANS TEZİ
Fatma Çiğdem UZUN

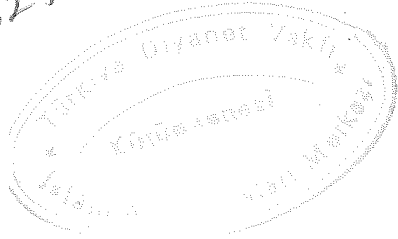
Enstitü Anabilim Dalı : TARİH
Enstitü Bilim Dalı : YENİÇAĞ

TEZ DANIŞMANI: Yrd. Doç. Dr. M. Hüdai ŞENTÜRK

| | |
|---|----------------------|
| Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi | |
| Dem. No: | 167906 |
| Tas. No: | 956.0732 UZU. B * |

MART 2000

D 825



KALEMDEN KILICA:
KOCA RÂĞIB PAŞA'NIN OSMANLI BÜROKRASİSİNDE YÜKSELİŞİ

Râğib Paşa (1700 vs.)

Erhan AFYONCU*

17 AŞU 2008

Osmanlı tarihinin en meşhur ve muktedir devlet adamlarından şair ve müverrih Koca Râğib Paşa bürokrasinin en alt kademesinden başlayarak, yavaş yavaş devlet basamaklarını çıkmıştı. Yıllarca defterhâne-i âmirede şâkird ve kâtip olarak çalışmış, İran seferleri sırasında uzun süre cephede kâtip ve bürokrat olarak hizmet etmiş, devletlerarası birçok görüşmeye katılmış, çeşitli bürokratlıklarda ve valiliklerde bulunduktan sonra sadrazam olmuştu. Başarılı bir devlet adamı olmasının en önemli sebebi buydu.

1110 (1698/1699)'da¹ İstanbul'da doğan Mehmed Râğib, defterhane kâtibi Şevki Mehmed Efendi'nin oğlu idi.² Osmanlı arşiv vesikalarında "Orta boylu, elâ gözlü ve açık kaşlı" şeklinde tarif edilir.³

Osmanlı İmparatorluğu'nun klasik sistemine uygun olarak "babasının ekmeğini yemesi için yetiştirdi", yani babasının çalıştığı kuruma devam ederek mesleği öğrendi. Nezâretler öncesi dönemde defterhâne, divân-ı hümayûn ve maliye kalemleri aynı zamanda kendi memurunu yetiştiren birer mektep durumundaydılar. Genellikle buralarda görev yapan kâtiplerin çocukları sekiz-on yaşlarında kaleme şâkird (çırak) adı altında alınarak, yetişmesi için kalemin kıdemli kâtiplerinden birisinin yanına verilirlerdi. Şâkirdler, usta kâtiplerden kitâbet, inşa, yazı çeşitleri, hesap ve defter usûllerini öğrenirlerdi.⁴ Şâkirdlere iyice ustalaşana kadar yazı yazdırılmaz, defter ve evrakları getirip götürme işler yaptırılırdı. Yazı yazabilecek seviyeye gelen şâkirdde, yazdığı tezkirelerde ve çıkardığı kayıtlarda kullanılmak üzere bir mahlas

* Marmara Üniversitesi Fen-Edebiyat Fakültesi, Tarih Bölümü.

¹ Birçok eserde paşanın 1110'da doğduğu zikredilir. Ancak Mehmed Râğib'a 24 Safer 1142 (18 Eylül 1729)'de defter-i hakanî kâtiplik gediği tevcih olunurken tahminen otuz beş yaşında olduğu belirtilmektedir. Eğer bu tarihte yaşı tam otuz beş ise doğum tarihi 1107 (1695-1696) olacaktır (Bk. Tapu Kadastro Genel Müdürlüğü, Kuyud-ı Kadime Arşivi (=TKA), *Timar Ruznamçe Defteri* (=TRD), nr. 813, s. 71).

² Râğib Paşa'nın babasının ismi bazı eserlerde "Mehmed" bazılarında ise "Mustafa" olarak geçmektedir. Bk. *Râmiz ve Âdâb-ı Zurâfâ'sı*, haz. Sadık Erdem, Ankara 1994, s. 111; *Hadikatü'l-Vüzerâ (ve zeylleri)*, III, Freiburg 1969, s. 4; Mehmed Süreyya, *Sicill-i Osmânî*, II, İstanbul 1311, s. 358; Mesut Aydın, bu konuyu geniş bir şekilde ele alıp, baba adının Mehmed olduğu kanaatine varır (Bk. *Mehmed Râğib Paşa*, Doktora Tezi, Mimar Sinan Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü, İstanbul 2005, s. 11-12).

³ TKA, TRD, nr. 775, s. 167.

⁴ Topkapı Sarayı Müzesi Arşivi (=TSMA), nr. D. 3208/2; Başbakanlık Osmanlı Arşivi (=BOA), *Tahrir Defteri*, nr. 885, s. 14-30; O. Nuri Ergin, *Türk Maarif Tarihi*, I, İstanbul 1977, s. 63-66.

177 953

KULTUR, RECHT UND POLITIK IN MUSLIMISCHEN GESELLSCHAFTEN

herausgegeben von

Thomas Bauer, Stephan Conerman, Heinz Halm,
Gudrun Krämer, Anke von Kügelgen, Eva Orthmann,
Rudolph Peters, Anja Pistor-Hatam, Irene Schneider,
Reinhard Schulze, Stefan Wild

Band 11

06 EKİM 2009

MADDE FAYDASINDAKİTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

ERGON VERLAG

Henning Sievert Zwischen arabischer Provinz und Hoher Pforte

Beziehungen, Bildung und Politik
des osmanischen Bürokraten
Rāğıb Meḫmed Paşa (st. 1763) Koca

| | |
|--|-------------------|
| Türkiye Diyanet Vakfı | |
| İslam Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi | |
| Dem. No: | 177753 |
| Tas. No: | 956.0732 SIE.Z |

ERGON VERLAG

Ekmeleddin İhsanoğlu, Boris A. Rosenfeld, Mathematicians, astronomers and other scholars of Islamic civilization and their works (7th-19th c.), Istanbul 2003, pp. 406.

İSAM KTP.91191

Raghib Pasha

1347. RAGHIB PASHA WAZIR (RAGIB PAŞA)

Raghib Pasha Wazir, Ottoman vizier and encyclopaedist (d. 1763).

See: MAMS (III 37)

E1. Ship (Safinat al-Rağhib). Encyclopaedia containing section on astronomy. Section on astronomy of E1 - Baku (B 407/32). Printed in Bulaq 1839.

with the *Afanin al-balāgha* mentioned by al-Suyūṭī and later sources.

Al-Rāghib's predilection for subtle semantic analysis, apparent in the *Madjma' al-balāgha*, is even more pronounced in his alphabetical lexicon of Qur'anic vocabulary, the *Mufradāt alfāz al-Kur'ān* (ed. Nadīm Mar'ashlī, Beirut 1972, and other editions). This work, whose influence can be traced in later *tafsīr* as well as lexicography, was one of a series of monographs by al-Rāghib on the Qur'an; in its introduction the author refers to his previous *Risāla munabbiha 'alā fawā'id al-Kur'ān* and *Risāla fi 'l-kawānin al-dālla 'alā taḥkīk munāsabat al-alfāz*, both apparently lost, and promises a further work specifically on the "obscure distinctions" to be drawn between apparent synonyms in the Holy Book. The latter is probably to be identified with the *Durrat al-ta'wīl fi mutashābih al-tanzīl*, a study of phrases repeated in the Qur'an in slightly varying forms, offering explanations for the significance of such minor variations. This work is extant in a number of manuscripts with varying titles, and has been shown by Muḥammad 'Abd al-Rahmān al-Sārīsī to be substantially identical, except for its introduction, with the *Durrat al-tanzīl wa-ghurrat al-ta'wīl* (Beirut 1973, and other editions) attributed to al-Khaṭīb al-Iskāfī (d. 421/1030), a contemporary and compatriot of al-Rāghib and a member of the circle of Ibn 'Abbād in Rayy; whatever the source of the confusion, al-Rāghib's authorship seems to be supported on stylistic grounds, as well as by an internal reference to the author's *Djāmi' al-tafsīr*, which accords with other information on al-Rāghib but not on al-Iskāfī.

Al-Rāghib's *tafsīr*, of which only the initial sections are known to be extant in manuscript, is quoted in the *tafsīrs* of al-Bayḍawī (anonymously) and Fakhr al-Dīn al-Rāzī (explicitly). It may never have been completed. Most celebrated was its methodological introduction, which was often copied separately and has been printed several times (most recently, as a *mulḥak* to al-Nāhī, *al-Khawālid* [see *Bibl.*]). A model of clarity, this brief essay combines traditional philology with concepts derived directly from the philosophical tradition in an elegant and novel way.

The same combination of traditional religious scholarship and *falsafa* is even more apparent in al-Rāghib's best-known ethical work, *al-Dhārī'a ilā makārim al-sharī'a* (ed. Abū Yazīd al-'Adjamī, Cairo 1985, and earlier editions). This work is structured in terms of a Platonic-Aristotelian psychology, with separate chapters on man's faculties in general, his intellect, the concupiscent and irascible faculties, justice, labour and money, and human acts. The pervasive philosophical influence is highly reminiscent of Miskawayh [q.v.] (who died and was buried in Isfahān in 421/1030), although no textual parallels between the two authors' works have been identified (except for a few brief quotations from Miskawayh in the *Muḥādarāt*). Al-Rāghib's *falsafa* is, however, considerably more Islamicised than Miskawayh's, with virtually every assertion being backed up by appropriate citations from Qur'an and *hadīth*. The statement by al-Bayhaḳī (*Ta'rikh ḥukamā' al-Islām*, ed. M. Kurd 'Alī, Damascus 1946, 112-13) that al-Rāghib combined *sharī'a* and *ḥikma* in his works is particularly apposite to the *Dhārī'a*. The work's ultimate influence was considerable, as it was al-Ghazālī's direct source for a good half of his *Mizān al-'amal*, as well as for significant sections of his *Ihyā' 'ulūm al-dīn* and *Ma'arīd al-kuds*. Al-Rāghib also wrote a companion piece to the *Dhārī'a*, the *Tafsīl al-nash'atayn wa-taḥsīl al-sādatayn* (ed. 'Abd al-Madīd al-Nadīdjār, Beirut 1988), which presents many of the same ideas but

stresses even more explicitly the complementarity of 'aql and shar'.

Influence from the *falsafa* tradition is equally apparent in a theological treatise by al-Rāghib published (very imperfectly) under the title *al-'Itikādāt* (ed. Shamrān al-'Adjalī, Beirut 1988). Its proper title is unknown, although one of the three known manuscripts of the work calls it (rather implausibly) *Taḥkīk al-bayān fi ta'wīl al-Kur'ān*, a title referred to by the author himself in his *Dhārī'a*. In this work, al-Rāghib deals with a series of standard *kalām* topics, such as the attributes of God and the problem of free will, but much of his argumentation is philosophical, including his conception of God as the Necessary Existent (*wādjīb al-wudjūd bi-dhātihī*) and the Unmoved Mover. Repeated attacks on the Mu'tazilīs, and occasional ones on the Shī'a, show traditional questions about al-Rāghib's adherence to either of these positions to be groundless, although the existence of such questions from an early period suggests that this work was never widely known. Al-Rāghib's actual theological stance seems in fact to have been close to that of the Ash'arīs, although he attacks them once for denying the existence of a rational moral order in the universe; his pointed omission of Abū Ḥanīfa from a list of major formative figures in jurisprudence can be added to other evidence for his adherence to the Shāfi'ī school in law. He also explicitly supports Ṣūfīs in some form.

Al-Sārīsī has noted the existence of four brief epistles by al-Rāghib in an Istanbul manuscript (Esad Efendi 3645), with the titles *R. fi anna faḍilat al-insān bi-'l-'ulūm*, *R. fi dhīkr al-wāhid wa-'l-aḥad*, *R. fi ādāb mukhālaḥat al-nās*, and *R. fi marātib al-'ulūm*. The status of a few other titles in manuscript catalogues and bibliographical sources remains to be investigated. Apparently uninfluenced by his contemporary Ibn Sīnā, al-Rāghib is significant as a precursor of al-Ghazālī in accepting and utilising a more diffuse form of *falsafa* in maintaining a rationalised but relatively conservative Islamic stance.

Bibliography (in addition to references in the article): Māfarrūkhī, *Mahāsīn Isfahān*, ed. al-Tīhrānī, Tehran 1312/1933, 32; Fakhr al-Dīn al-Rāzī, *Asās al-takdīs*, Cairo 1935, i, 5; Dhahabī, *Siyar a'lām al-nubalā'*, Beirut 1981, xviii, 120-1; Šafadī, *Wāfi*, xiii, 45; Zarkashī, *al-Burhān fi 'ulūm al-Kur'ān*, Cairo 1957, index; Suyūṭī, *al-Muzhir fi 'ulūm al-lughā wa-anwā'ihā*, Cairo 1945, i, 201; Hādjīdjī Khalīfa, index; Khānsārī, *Rawḍāt al-djannāt*, Kumm 1970, iii, 197-227; Āghā Buzurg Tīhrānī, *al-Dhārī'a ilā taṣānīf al-shī'a*, Nadjaf 1936-, i, 374, iv, 351-2, v, 45-6, vii, 73, viii, 95, x, 25-6, x, 28, xx, 128, xxi, 364; Brockelmann, I, 289, S I, 505-6, S II, 83; W. Madelung, *Ar-Rāghib al-Isfahānī und die Ethik al-Gazālīs*, in *Islamwissenschaftliche Abhandlungen Fritz Meier zum 60sten Geburtstag*, ed. R. Gramlich, Wiesbaden 1974, 152-63; Šalāh al-Dīn 'Abd al-Laṭīf al-Nāhī, *al-Khawālid min āra' al-Rāghib al-Isfahānī fi falsafat al-akhlāk wa-'l-tashrī' wa-'l-taṣawwuf*, 'Ammān 1987; 'Umar 'Abd al-Rahmān al-Sārīsī, *al-Rāghib al-Isfahānī wa-djuhūduhu fi 'l-lughā wa-'l-ādāb*, 'Ammān 1987. (E.K. ROWSON)

RĀGHIB PASHA, KHODJA MEHMED (1111-76/1699-1763), Ottoman Grand Vizier and littérateur. He was born in Istanbul, the son of the *kātib* Mehmed Shewḳī, and was soon on account of his unusual ability employed in the *diwān*. He then acted as secretary and deputy-chamberlain to the governors of Van, 'Arīfī Ahmed Pasha, and Köprülü-zāde 'Abd al-Rahmān Ahmed Pasha [q.v.], and, lastly, to Hekīm-zāde 'Alī Pasha. In 1141/1728 he returned to

RAĞIB

MADDE YAYINLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

RAĞIB (1865-1935): Özbekistan şairi. Harezm vilayeti Ürgenç ilçesi Karavul köyünde doğdu. Asıl adı Muhammed Rahim Şakir oğlı'dır. Hive'deki Muhammed Eminhan medresesinde öğrenim gördü. Nevâî, Munis, Agehî, Kâmil gibi şairlerin gazellerini okudu ve onlara muhammesler bağladı. Şiirdeki başarısını duyan Feruz, onu sarayına çağırdı. Feruz vefat edince köyüne döndü. Burada eğitim kurumlarında çalıştı. Lirik ve satirik şiirler yazdı. Lirik şiirlerinde aşk-muhabbet, dostluk, vatan, tabiat güzelliklerinden, hicvî şiirlerinde riyakarlık, toplumsal düzen ve zulümden bahsetti. 1221 gazel, 33 muhammes, 6 terci' bend, 36 rubai, 12 kıt'a ve birçok mesnevî, müstezadlardan oluşan divanı (1899) ve beyazlara giren birkaç şiiri bize kadar ulaştı. Divanının elyazma nüshaları ÖZFA Şarkşunaslık Enstitüsü, nu: 6681'de ve Hive Tarih Müzesi, nu: 2038'de saklanmaktadır.

Kay.: *Asrlar Nidası*, Taşkent 1982, s. 296-323. ❖U. CORAKULOV

RÂĞIB Paşa (1698-1763): Divan şairi. İstanbul'da doğdu. Asıl adı Mehmed Râğib'dir. *Koca Ragıp Paşa* sanıyla tanındı. Defterhâne-i Âmire kâtiplerinden Şevki Efendinin oğludur. Öğrenimi hakkında kesin bilgi bulunamadı. Daha çok özel hocalardan ders aldığı, kitabeti babasından öğrendiği ve kendi kendini yetiştirdiği sanılmaktadır. Kitabet öğrenimini tamamladıktan sonra memurluğa Defterhâne-i Âmire'de kâtip olarak başladı. Kısa zamanda bilgisi, çalışkanlığı ve yeteneği ile kendisini tanıttı. 1724'te İstanbul dışına atandı. Yıllarca Doğu Anadolu, İran ve Irak'ta mesleğiyle ilgili çeşitli görevlerde bulundu. Arada Revan defterdarlığı yaptı. Meslekî bilgisi ve becerisi, kültürü, ile kısa zamanda emirleri altında çalıştığı valilerin güvenini kazandı. Bağdat defterdarı iken vali Ahmed Paşanın onu, o sırada Osmanlılarla savaş hâlinde bulunan Nadir Şaha görüşmeci olarak göndermesi kendisine siyasi yönden de tecrübe kazanma imkânını verdi (1730).

Nadir Şahın elçileriyle 1736'da İstanbul'da yapılan görüşmelere de devletçe davet edildi. Kısa zamanda yükselip İstanbul'da sadaret mektupçusu (1737) oldu. Avusturya ve Rusya ile görüşmelerde bulunacak komisyona da dahil edildi ve reisülküttap oldu (1741). Vezirlikle Kahire'ye gönderildi (1744). Sayda, Rakka, Halep ve Şam valiliği yaptı. III. Sultan Mustafa devrinde sadrazam oldu (1756). Ölümüne kadar devam eden sadrazamlığı sırasında III. Mustafa'nın kızkardeşi Saliha Sultanla evlendirildi (1758). İstanbul'da vefat etti. Lâleli'de yaptırdığı kütüphane ile mektebin bahçesine gömüldü. Kendi gayret ve yeteneğiyle devletin en yüksek makamına kadar yükselip oradaki akıllı, bilgili, tecrübeli ve itidalli yönetimiyle devlete uzun bir süre nefes aldırın, dengeli siyaseti ile dışta barışı, içte huzuru sağlayan iyi ve başarılı bir devlet adamıydı. Aynı zamanda geniş bir kültüre sahip ve güçlü bir şair olan Ragıp Paşayı Prof. Harun Tolasa şu cümlelerle değerlendirir: *Devrinin bir güzel sanatı olan yazı (hüsn-i hat)da kendini kabul ettirmiş, ilim ve kültüre düşkünlüğünü, adına yaptırdığı kütüphane ve mektebiyle ispat etmiştir. Onun çevresi, devrin sanat ve edebiyat merkezlerinden biri olmuş, bir çok şair onun meclislerinde bulunmuş olmakla seçkinlik kazanmıştır. Bir şair olarak Ragıp Paşa, Şeyh Galip ve Nedim bir yana bırakılırsa, 18.yy.in başta gelen ismidir. Sağlam ve ahenkli bir nazma ağırbaşlı, seçkin ve vazih bir söyleyişe, insanı düşünce yoluyla saran bir muhtevaya sahiptir. Kasidelerinde Nef'i, gazelde de Nâbî tarzını izler. Hattâ Nâbî tarzının 18.yy. daki en başarılı temsilcisi bu şairimizdir. Bununla birlikte, şiirlerinde kendine özgü havası ve oturmuş kişiliği daima hissedilir. Nâbî ile çığırılan hikmetli söyleyişte bazen daha başarılı olduğu da söylenebilir. Hâfızalarda atasözü gibi yerleşen pek çok beyit ve mısra ona aittir. Geride bırakmış olduğu eserler onun bu çok yönlü ve yetenekli kişiliğinin açık delilidir. Eserleri: Divan'ındaki şiirler Müstakimzâde*

WILLIAM E. WOODRUFF AND THE
TERRITORY OF ARKANSAS, 1819-1836.

(L. C. Card No. Mic 60-5945)

John Lewis Ferguson, Ph.D.
Tulane University, 1960

Author: Charles P. Roland

William E. Woodruff was one of the most prominent men of the nineteenth century. A native of Long Island, he came to Arkansas Territory in 1819 and founded the Arkansas Gazette at Arkansas Post. He moved his office to Little Rock in 1821 and resided there until 1885. Woodruff's long career was marked by his publishing versatility and a wide range of influence. He was intimately associated with Arkansas as editor, treasurer, general land and pension agent, business man, and planter.

This study is limited to the environment, career, and personality of Woodruff during the territorial period, 1819-1836. The journalist came to Arkansas in the year that it was a territory, and retired from active editorship of the Arkansas Gazette in the year that the territory was admitted to statehood. Later he returned to the newspaper business, but the territorial era was unquestionably the period of his greatest influence upon the history of Arkansas.

Probably no other man did as much as Woodruff to shape the character and direct the thinking of the Arkansas Territory. Until 1830 his Arkansas Gazette was the only newspaper in the territory; after that date it was the organ of the dominant Jacksonian party. Woodruff's choice of editorial positions and his editorial opinions were widely influential all over Arkansas with respect to political, social, and economic questions. Though never a candidate for a major office, Woodruff commanded more political influence than any territorial governor except John Pope. The role he played in the struggle for Arkansas statehood was probably decisive. Outside the territory the Arkansas Gazette served as the only reliable source of news and information about its little known area of origin. Arriving in Arkansas young, penniless, and unknown, Woodruff demonstrated business ability and a capacity for hard work which in a few years made him one of the wealthiest men in the territory. His character was marked by a queer dualism. At times his habitual caution and native shrewdness gave way to emotional outbursts, at other times in the editorial columns of the Arkansas Gazette. Woodruff's stubborn courage seldom failed him during the political struggles of the territorial period, yet his love of peace and extreme sensitivity to criticism resulted at times in unflattering displays of spitefulness and deception. Woodruff was involved in so much that concerned territorial Arkansas as a whole that the story of his life amounts to a history of his times. The twenty-three chapters of this paper incorporate material on the frontier politics of the Jacksonian era, the economic and social development of a western territory to the threshold of statehood, and the early history of Texas and the Indian Territory. The principal sources were the William E. Woodruff Papers and the files of the Arkansas Gazette, both available in the archives of the Arkansas History Commission in Little Rock. Microfilm \$3.30; Xerox \$11.50. 255 pages.

MEHMED RAGHIB PASHA: THE MAKING
OF AN OTTOMAN GRAND VEZIR.

(L. C. Card No. Mic 60-5006)

Norman Itzkowitz, Ph.D.
Princeton University, 1959

This study is an attempt at penetrating behind the official facade to nonofficial eighteenth century Ottoman realities. The career of Mehmed Raghîb Pasha serves as a background against which these realities are silhouetted in order to bring them into sharper focus. The materials upon which this study is based include the correspondence of western diplomats and consular agents resident in the Ottoman domains; Ottoman literature, including traditional chronicles, histories, biographical dictionaries, and poetry; western literature of travel in the Ottoman Levant; and modern historical studies, western and Turkish. In the bibliographical essay, the nature and merits of the various categories of material consulted are discussed.

The four chapters trace the progress of Mehmed Raghîb Pasha's career from his apprenticeship to his call to the Grand Vezirate in 1757, and the means he employed to consolidate his hold upon that office.

Mehmed Raghîb was born in Istanbul in 1110 A. H. (1698/99). He was the son of a scribe in the Defferhane. At an early age, Mehmed Raghîb was apprenticed in one of the bureaus of the Defferhane. In following in his father's footsteps, he was typical of his times. As is indicated in the first chapter, in the eighteenth century career lines were hardening, which made it very common for sons to follow in the careers of their fathers. The first chapter ends with Mehmed Raghîb as a full-fledged Efendi and member of the Ottoman ruling class by virtue of his fulfillment of the three conditions necessary for that status; he served the religion (he was a Muslim), he served the state (he held an official position entitling him to a state-paid salary), and he knew the "Ottoman Way" -- the accepted pattern of ruling class life.

The second chapter begins with a lengthy narrative of the Ottoman-Persian war, 1722-36. This serves as the necessary background for the unfolding of Mehmed Raghîb Efendi's career in the east. He held many offices during this period rising eventually to the ranks of the hâjegan, that broad upper bracket of the Ottoman bureaucracy populated mainly by bureau chiefs. It was during this period too, that Mehmed Raghîb Efendi established client-patron (intisab) relationships with Ahmed Pasha and Hekimoghlu Ali Pasha, two men who aided him in his career. Intisab was a fundamental element in the process by which ambitious young Ottomans rose to positions of eminence.

The third chapter is devoted largely to a discussion of the internal structure of the two components of the Ottoman bureaucracy -- the financial and the central administration. At this point in his career Mehmed Raghîb Efendi transferred from the financial to the central administration. This was an important shift for him. It placed him in a position where his work could be appreciated at the very top, by the Reis Efendi, and by the Grand Vezir. Mehmed Raghîb Efendi served a term as Reis Efendi from 1741 to 1744. In 1744 he was named Governor (Vali) of Egypt. This illustrates an important trend discernible in the eighteenth century -- career bureaucrats were entering the ranks of the vezirs and becoming Pashas. This was to

pended upon "the preponderance of his approval and commendation."¹⁰⁸ While the clues are interesting and suggestive, there is no further evidence to suggest that Abdi Efendi did indeed help Ahmed Resmi find employment in the *hacegân* once again.

The evidence linking Ahmed Resmi to Koca Ragıb, if not as patron, then certainly as mentor, is more abundant and convincing than for Abdi Efendi. By far the most interesting of the *Sefinet* manuscripts is Reisülküttab 639, which is in all likelihood Ahmed Resmi's autograph. This copy has copious additions to the biographies throughout the text, demonstrating the constant editing and updating that went on in this kind of work.¹⁰⁹ That Ahmed Resmi was interested in the career of Koca Ragıb is obvious from this manuscript which contains significant additions to the biography concerning his later life, which are not found in the printed version. Some additional biographies of later *Reis* are included here as well: for example, İsmail Raif Efendi (1774-1776), Halil Hamid (1779-1780), and Abdürrezzak Bâhir Efendi, Ahmed Resmi's brother-in-law, mentioned above.¹¹⁰ The most important aspect of the manuscript, however, is a note at the end of it which states that it was sent to Koca Ragıb while he was in Rakka. "This essay, because it contains the life of the most generous of men, was sent [brought] to him at the time he was Rakka's governor . . . He has bound this humble one [the author] to him with the rope of his kindness and generosity, spreading his favors. By means [of this writing], his eulogy and praises, the substitute for second life, will live forever."¹¹¹

Ahmed Resmi apparently called his manuscript *Halifet ül-Rüesa*, meaning literally *A Succession of Reis*, or *A Succession of Captains*, or,

¹⁰⁸ İÜ Ms T 6667, presentation page.

¹⁰⁹ Reisülküttab Ms 639, 1195/1780 latest date. Its presence in the Reisülküttab collection strengthens the internal evidence that it was Ahmed Resmi's working copy, if indeed Ahmed Resmi's estate was merged with that of Tavukçubaşı Mustafa as indicated above. The text and marginal notes are in a similar hand, and in two places it is signed Resmi (fol. 30b in a marginal addition on Telhisizade Mustafa Efendi, and fol. 56b, following a biography on Halil Hamid, signed 2 Rebiyülevvel 1195/26 February, 1780, still within Ahmed Resmi's lifetime).

¹¹⁰ Reisülküttab Ms 639, fol. 56-7, follows Koca Ragıb's career to his death in 1763, as does Esad Efendi Ms 2296; the printed version ends with his appointment to Rakka in 1750.

¹¹¹ Reisülküttab Ms 639, fol. 58b. "Bu risale-yi sahihat ül-makale aşında tercüme-yi kerime al-arunlarını mütezemmin olmak münasebetiyle . . . isal olunmuş idi. . . Bu kemtere tevccüh ve talatufa temhid ve zeman-i medarında silsile-yi lüt ve ihsanla takyid ve tasfid buyurarak bu surette her ömr-i sani menzillerinde olan medaih ve senaların tahlid eylemiştir. *İsal olunmak* can also have the meaning of "to be brought."

more loosely, *A Succession of Leaders*. At Koca Ragıb's request, however, he changed its name to *Sefinet ül-Rüesa*, a much more felicitous choice which can be translated as *The Ship of Captains*.¹¹² The same manuscript notes that the alterations to the Koca Ragıb text were made by the biographee himself.¹¹³ The coincidence of the title of Ahmed Resmi's and Koca Ragıb's *Münşeat*, frequently called *Sefinet ül-Ragıb*, is surely more than that. It has already been asserted that Ahmed Resmi was the chief source of the biographical information on Koca Ragıb. In one of the many manuscripts of *Sefinet ül-Ragıb* to be found in Istanbul, reputedly compiled by Ahmed Nüzhet, Confidential Secretary (*Divıldâr*) to Koca Ragıb, the following note appears: "Ahmed Nüzhet became *Divıldâr* while he [Koca Ragıb] was in Rakka and Aleppo, at the beginning of his service there. Until the time of his [Koca Ragıb's] passing away, he [Nüzhet] was his companion, and the one who recorded his eloquence. From the gracefully written work called *Sefinet ül-Rüesa* by Ahmed Resmi Efendi, who is still *Mektûbî-i Sadr-ı Âli*, the pages worthy of esteem have been transferred verbatim."¹¹⁴ There is too little known about Ahmed Nüzhet to speculate much further but it would appear that Ahmed Resmi was a better source of information on Koca Ragıb than his own secretary.

Koca Ragıb moved to Rakka from Şayda in January 1750 and from there to Aleppo in July 1755.¹¹⁵ Another biographical work was composed by Ahmed Resmi in those same years. *Hâmilet ül-Küberâ* (or *Hâmilet ül-Kübrâ: The Bearer of the Great*) on the *Kızlar Ağaları* of the palace service, is much in the style of *Sefinet*.¹¹⁶ Ostensibly written by Ahmed Resmi because of an incident involving one of the eunuchs, Sünbül Ağa, and the island of Crete, Ahmed Resmi's birthplace, it

¹¹² "İşbu risale Ragıb Paşa merhume arz olundukta *Sefinet ül-Rüesa* ismiyle tesmiye kılınmış," Ali Emiri Ms 720, fol. 2b; also Lâleli Ms 2092, on the title page; in Esad Ms 2296, the title is corrected in the manuscript itself to *Sefinet*; the printed text, 89, has a marginal note that according to reliable sources, *Halifet* was replaced by *Sefinet* at the request of Koca Ragıb. *Reis* (plural *Rüesa*) means "leader", "captain", "admiral" and specifically in *Reisülküttab*, "Chief of the Scribes" - thus the word play in the title *Sefinet*.

¹¹³ "Sahib-i tercüme Ragıb Paşa hazretlerinin işaretiyle bu vechle tashih olunmuştur," Ali Emiri Ms 720, fol. 46a.

¹¹⁴ Quoted from *Sefinet ül-Ragıb*, İÜ Ms T 5711, 1200/1785, fol. 26b. Ahmed Resmi was briefly appointed *Mektupçu* in August of 1764.

¹¹⁵ Dates noted in Ali Emiri Ms 720, fol. 50b.

¹¹⁶ Ten copies of *Hâmilet ül-Küberâ* were examined in Istanbul, the earliest of which has a date 1163/1749, TOP Ms E H 1403. A signed version, Esad Ms 3378/2, fol.

05 ARALIK 1995



KOCA RÂĞİB PAŞA

Şair Devlet Adanı

Koca Râgıb Paşa

HÜSEYİN YORULMAZ

Nedim ve Şeyh Galib'ten sonra onsekizinci yüzyılda klâsik edebiyatımızın yetiştirdiği en kudretli şairlerden birinin de Râgıb Paşa olduğu edebiyat tarihçilerinin ortak görüşüdür. Siyasi tarihçilere göre ise, aynı yüzyılda olduğu gibi önceki ve sonraki asırlarda idare etme sanatını en iyi kullananlardan birisi de yine odur. Ayrıca hem şair, hem düşünür ve hem de devlet adamlığı vasıflarını şahsında toplaması bakımından da Osmanlı tarihi boyunca sanatçı ve devlet adamı meslekdaşları arasında farklı bir yeri vardır.

Vazife hayatına yirmi yaşlarında ufak bir memuriyetle başlayan Râgıb Paşa'nın Osmanlı devlet yönetiminde padişahlıktan sonra ikinci derecede önemli bir kurum olan Sadaret makamına yükselmesinde sanatçı şahsiyetinin çok büyük etkisi görülür. Mesleğinin ilk yıllarında görevli olarak gittiği yerlerin idari amirlerine yazdığı kaside ve eserlerine düşürdüğü tarih'lerle sanatçılığını ispatlamış ve memuriyetteki basamakları her geçen gün biraz daha yükselmiştir. Bu bakımdan yöneticilik sıfatıyla elde ettiği tecrübenin verdiği imkânlar da sanatçı kişiliğini beslemiştir.

Siyasi ve edebî cepheleriyle tarihimizde ve edebiyatımızda böylesine önemli bir yeri bulunan Koca Râgıb Paşa'nın atasözü ve vecize türünden birçok beyit ve mısraları hâlâ hafızalarımızdadır. Biz onun hayatı, kişiliği, sanatı ve eserleri üzerine çalıştık. H.Y

1. Hayatı ve Kişiliği

Doğumu ve Memuriyette İlk Yılları

OSMANLI'nın XVIII. asırda yetiştirdiği küçük bir memuriyetten Sadrazamlık (bugünkü Başbakanlık) makamına kadar yükselmiş en büyük devlet adamlarından ve aynı zamanda usta bir şair ve tarihçi olarak da kendini kabul ettirmiş olan Râgıb Paşa 1699 yılında İstanbul'da doğmuştur.¹ Defterhâne kâtiplerinden Şevki Mehmed Efendi'nin oğlu olan Paşa, şiirlerinde kullandığı "Râgıb" mahlasıyla tanıdığından bu isimle anılır olmuştur.²

Yetiştirdiği çevre ve şartlar itibarıyla çok şanslı bir muhitte dünyaya gelen Mehmed'in küçük yaşından beri eğitimine özen gösterilmiş, keskin zekâsı ve parlak istidadı ile bulunduğu yerde kısa zamanda bir ilerleme kaydederek dikkatleri üzerinde toplamasını bilmiş ve babasının çalıştığı Defterhâne Kalemi'nde memuriyete başlamıştır. Buradaki göreviyle işlerin inceliğine kolayca nüfuz ederek bir süre sonra Divân-ı Hümâyûn kâtipliğine yükselir.³ Bu arada Osmanlı ilim, sanat ve devlet adamlarında öteden beri bir gelenek halinde devam eden dil Arapça ve edebiyat dili Farsça'yı öğrenenler kervanına genç yaşın-

da o da katılır. Yine aynı yıllarda Türkçe'de Nâbî, Farsça'da Sâib-i Tebrizi ve Şevket-i Buhârî gibi kendi dillerini çok iyi kullanan üstad şairlerin şiirlerini okumaya ve onlara nazireler yazmaya başlar.⁴

Mehmed Paşa'nın memuriyette yükselen merdiven basamaklarının temelini teşkil eden Defterhâne Kalemi ve Divân-ı Hümâyûn'da elde ettiği bilgi ve tecrübe, 1722'de başlayan İran savaşları esnasında fethedilen yerlerin tahriri için Defterhâne tarafından Revan Valisi Arifî Ahmed Paşa'nın maiyetine atanarak⁵ idarî bir vazifeye getirilmesine sebep olur. Kısa bir süre sonra

KOCA RÂĞİB PAŞA

| | |
|--|--|
| <p>اوه صافه روه قشده روه روه روه عجيبه روه روه روه روه روه روه</p> | |
| <p>حياتي موت ابد نصوبه روه روه روه كوفه روه روه قاشه روه روه روه روه عجيبه روه روه روه روه روه روه روه صافه روه روه روه روه روه روه روه اوه روه روه روه روه روه روه روه يقول روه روه روه روه روه روه روه</p> | <p>عجيبه روه روه روه روه روه روه اوه روه روه روه روه روه روه روه عجيبه روه روه روه روه روه روه روه صافه روه روه روه روه روه روه روه اوه روه روه روه روه روه روه روه يقول روه روه روه روه روه روه روه</p> |
| <p>صدا اول روه روه روه روه روه روه عجيبه روه روه روه روه روه روه</p> | |
| <p>اوه روه روه روه روه روه روه روه عجيبه روه روه روه روه روه روه روه اوه روه روه روه روه روه روه روه عجيبه روه روه روه روه روه روه روه اوه روه روه روه روه روه روه روه عجيبه روه روه روه روه روه روه روه</p> | <p>اوه روه روه روه روه روه روه روه عجيبه روه روه روه روه روه روه روه اوه روه روه روه روه روه روه روه عجيبه روه روه روه روه روه روه روه اوه روه روه روه روه روه روه روه عجيبه روه روه روه روه روه روه روه</p> |

Koca Râgıb Paşa Divanı'ndan iki sayfa.

Köprülüzâde Abdullah Paşa'nın Tebriz Seraskerliğine getirilmesiyle birlikte Paşa da Ordu-yü Hümâyûn reisliğine yükselir. Başbakanlık Osmanlı Arşivi'nde (BOA) bulunan Mühimme defterlerinden öğrendiğimize göre Râgıb Paşa bu görevdeyken İran ile yapılan sulh görüşmelerinde kâtip olarak hazır bulunur.⁶ İran seraskeri Hekimoğlu Ali Paşa'nın yanında mühimme kâtipi olarak bir süre çalışan Mehmed Paşa, 1724 yılında Revan defterdarlığına getirilir. Bir yıl kadar bu görevde bulunduktan sonra Bizze muhasebecisi ola-

rak İstanbul'a dönmüşse de hemen arkasından Hemedan eyaleti timar ve zemetlerinin yeniden düzenlenmesine ve dağıtılmasına memur edilerek Bağdad valisi ve İran seraskeri Ahmed Paşa'nın maiyetine Defteremini ve Reisi'lik küttab vekili olarak gönderilir.⁷ Her geçen yıl kendisini bir üst makamda terfi etmiş olarak bulan Râgıb Paşa, 1730 yılında Kapıkulu süvarileriyle saray ağalarının maaş defterlerinin kontrol edildiği bir kalem olan Süvari Mukabelesi pâyesiyile Bağdad Defterdarlığına atanır.⁸ Burada kaldığı sü-

re zarfında ilim, edebiyat ve devlet idaresi işlerinde gösterdiği ustalıklar sayesinde Ahmed Paşa'nın dikkatini çekerek yakın ilgi ve güvenini kazanır. "Kelimüm hâmemin i'câzıdır ahbâb u a'dâya" diyen Râgıb Paşa, "Değildim senden özge kimsenin meddahı hem olmam" dediği Bağdad valisi için kaleme aldığı kasidesi dolayısıyla Ahmed Paşa tarafından ödüllendirilir ve Osmanlılar'la savaş halinde olan Nadir Şah ile giriştiği müzakerelerde gösterdiği yararlıklardan ötürü de murahhas olarak İran hükûmdarı nezdine gönde-

nin önde gelen devlet adamlarının göreve gelişleri ve imar faaliyetleri sebebiyle, kaside ve tarihler kaleme almıştır. Buna karşılık, Lale Devri'nin meşhur padişahı III. Ahmed için hiçbir kaside yazmamış, yakın himayesini gördüğü Sadrazam İbrahim Paşa için çok sayıda methiye kaleme almıştır. Neyli, kasidelerinden ziyade lirik gazelleriyle tanınmış bir şairdir. Rubaileri fazla olmamakla birlikte, Hayyam'la boy ölçüşebileceğini iddia etmiştir. Lale Devri eğlencelerine yakından şahitlik etme şansı bulan şair, Sadabat vafında da birer terkip-bent ve murabba ile 5 tarih kaleme almıştır. Nabi'den itibaren rağbet görmeye başlayan muamma ve lügaz türünde de örnekler vermiştir. Divanında dikkati çeken şiirler arasında, realist, orijinal iki mesnevisi yer almaktadır. Bunlardan biri, gurbet günlerinde İstanbul'a, dostlarına duyduğu özlemi aksettiren manzum mektup; diğeri ise bir Hristiyan kızın Müslüman bir gence aşkını anlatmaktadır (→ Mesneviler).

Neyli, dile hâkim, güçlü, akıcı ve külfetsiz, açık bir üslubu olan hassas ruhlu bir şairdir. Kendi de üslubunu "nev-zemin" ve "zemin-i taze" gibi sıfatlarla nitelendirmiş ve şiirlerinin herkesçe beğenildiğini söylemiştir. Hakikaten, onun "Tevâzu âdeme çün muktezâ-yı tıynetdir", "Gül olmaz bâğ-ı âlemde dikensiz" gibi bazı mısraları atasözü gibi halkın diline yerleşmiştir. Bu külfetsiz söyleyiş, önceki asrın Hint üslubunun da etkisiyle oldukça ağır, sanatlı üslubuna bir tepki olarak bu asır şairleri arasında oldukça rağbet görmüştür. Fakat o, Nedim ve benzeri şairlerden farklı olarak, şiirini yaşanan hayata açmamış, daha çok önceki asrın Şeyhülislam Yahya ve çağdaşlarının klasik üslubu çizgisinde eserler vermiştir. Fazla olmamakla birlikte, bazı musammatlar ve mesnevilerinde günlük hayattan canlı kesitlere rastlanmaktadır. Zaman zaman o da söz oyunlarına meyle-

derek, gereksiz kafiye oyunlarına başvurmuştur. Fakat mahallileşmeye mesafeli davranarak, bu asrın sembolü hâline gelen şarkı söylemeye, sade Türkçeyle, heceyle şiir yazmaya itibar etmemiş; zarafeti mazmun ve sanat kaygısına feda etmemiştir. Çünkü ona göre şiir, mana güzelinin peşinde güzel ve hakikati ifade etme çabasıdır. Neyli, mana güzelini bulma konusunda önemli bir merhale kat ederek, devrin önde gelen isimleri arasında anılan bir şair olmuştur.

— Râgıb Paşa

Bu asrın Nedim ve Şeyh Galib'den sonra akla gelen ilk isimlerden biri olan **Koca Ragıb Paşa** (1699 - 1176 / 1763), aynı zamanda devrin büyük devlet adamlarından ve bilge şahsiyetlerinden biridir. Devrinde *Koca* sıfatıyla anılan şair, İstanbul'da doğmuş ve babasının çalıştığı defterhane kaleminde küçük bir memur olarak başladığı meslek hayatında, yeteneği ve kişiliğiyle hızla ilerleyerek; reisülküttaplık ve valilikten sonra ulaşabileceği en yüksek makam olan sadrazamlığa kadar yükselmiştir.

Koca Ragıb Paşa, Osmanlı'nın gerileme döneminde yetişen bilge kişilikli, ilim ve fazilet sahibi büyük devlet adamlarından biridir. Devrin kaynaklarında, vaktini okumak ve ilmi konularla uğraşmakla geçiren, yüksek ahlaklı, latif sözlü bir zat olarak anlatılan şair, devletin gücünden çok şey yitirdiği bir devirde, akılcı politikalarıyla devlete itibar kazandırmaya çalışmış ve bu yolda önemli başarılar sağlamıştır. Bu sebeple devri itidal ve hikmet devri olarak kabul edilmiştir. Devlet adamlığı ve şairliğinin yanında, ilim, kültür ve imar faaliyetlerine verdiği önemle tanınmıştır. Kendi adına Laleli'de bir kütüphane yaptırmış ve bütün eserlerini buraya vakfetmiştir. Evini de, Fıtnat Hanım, Çelebizade Asım ve Haşmet gibi birçok önemli şair ve şahsiyetin toplandığı bir meclis hâline getirmiştir. Ragıb Paşa, az şiir yazmakla birlikte yazdığı az sayıdaki şiiriyle sadece devrinin değil,

DN 189778